

مرکز اطلاعات مدرک علمی ایران
توسعه در آرزو



دانشگاه آزاد اسلامی

۱۳۸۳ / ۲ / ۱۱

واحد کرمان

دانشکده علوم انسانی، گروه مدیریت
پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد

رشته مدیریت دولتی

گرایش منابع انسانی

عنوان:

بررسی نقش مدیریتی زنان از دیدگاه اسلام

نگارش:

طاهره جاوید

زمستان ۱۳۷۹

دکتر سید حمیدرضا علوی

دکتر اسدالله کارنما

هیأت داوران:

دکتر محمود نکوئی مقدم

دکتر مهدی لسائی

دانشگاه آزاد اسلامی

واحد کرمان

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی به M.A

موضوع:

بررسی نقش مدیریتی زنان از دیدگاه اسلام

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید حمید رضا علوی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر اسدا... کارنما

نگارش:

ظاهره جاوید

سال تحصیلی ۷۹-۷۸

تقدیر و تشکر؛

ضمن اظهار امتنان از استاد گرانقدر و فرزانه؛

جناب آقای دکتر سید حمید رضا علوی

که شکل‌گیری این پژوهش مرهون نظارت و تشویقات مستمر

ایشان است. از راهنمائیهای ارزشمند و دلسوزانه

جناب آقای دکتر اسدالله کارنما

تقدیر و تشکر می‌نمایم.

تقدیم به:

به ساحت مقدس حق تعالی که انسان را خلیفه الله آفرید

و

پیامبر اسلام (ص)

و

ائمه معصومین

و

کوثر پربهای قرآن

فاطمه الزهرا (س)

۱ چکیده

۳ پیشگفتار

فصل اول: بیان مسئله

۶ بیان (تعریف) موضوع:

۷ سئوالات تحقیق:

۷ اهداف تحقیق

۸ اهمیت و ضرورت تحقیق:

۹ تعریف واژه‌ها:

۱۱ خلاصه:

فصل دوم: پیشینه تحقیق

۱۳ مقدمه

۱۵ تعاریف مدیریت از دیدگاه‌های مختلف:

۱۵ مدیریت جزئی از فرهنگ جامعه:

۱۶ مدیریت چیست؟ علم است یا هنر؟

۱۷ مدیریت در جهان بینی و ایدئولوژی الهی:

۲۰ تصمیم‌گیری:

۲۱ تصمیم‌گیری در اسلام

۲۲ تصمیم‌گیری و قاطعیت و عزم

۲۳	برنامه ریزی:
۲۳	اسلام و برنامه ریزی:
۲۴	برنامه:
۲۵	سازماندهی:
۲۶	سازماندهی در اسلام:
۲۶	نظارت و کنترل:
۲۷	راههای اعمال نظارت در اسلام:
۳۰	سازمان:
۳۱	سازمان در اسلام:
۳۲	زن در قرآن:
۳۳	اهتمام قرآن به شخصیت زن:
۳۳	عظمت حقوقی و اجتماعی زن در قرآن:
۳۶	مروری بر تحقیقات مشابه:
۴۵	خلاصه

فصل سوم: روش تحقیق

۴۷	مقدمه
۴۷	روش تحقیق
۴۸	ابزار و روش جمع آوری اطلاعات:

۴۸ روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

۴۹ خلاصه:

فصل چهارم: یافته‌های تحقیق

۵۱ روشهای هدایت در قرآن

۵۳ شناخت نقش زنان در عرصه فردی (انسانی) و اجتماعی از دیدگاه قرآن:

۵۳ الف - نقش زن در عرصه فردی و انسانی:

۶۱ ب - نقش زن در عرصه اجتماعی:

۶۶ بررسی و تشریح دیدگاه قرآن در مورد نقش مدیریتی زنان در سازمانها:

۸۱ بررسی و تشریح دیدگاه اسلام در مورد نقش زنان در تصمیم‌گیری سازمانها:

۸۵ بررسی و تشریح دیدگاه اسلام در مورد نقش زنان در برنامه ریزی در سازمانها:

۹۲ بررسی و تشریح دیدگاه اسلام در مورد نقش زنان در سازماندهی سازمانها

۱۰۱ بررسی و تشریح دیدگاه اسلام در مورد نقش زنان در کنترل و نظارت سازمانها.

فصل پنجم: بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادت

۱۰۶ بحث و نتیجه‌گیری

۱۱۳ پیشنهادت:

۱۱۴ محدودیتهای تحقیق:

۱۱۵ خلاصه:

۱۱۶ فهرست منابع:

چکیده

پایان نامه حاضر تحقیقی است پیرامون موضوع بررسی نقش مدیریتی زنان از دیدگاه اسلام که سعی شده است با بهره گیری از آیات قرآن کریم نشان داده شود جایگاه و نقش زنان جدای از موقعیت مردان نیست و درباره همگامی زن و مرد و مشترک بودن آن دو در رهبری و مدیریتهای عرصه های مختلف اجتماعی است و نقش زنان در تصمیم گیری، برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل در سازمانها تبیین و تشریح گردیده است.

آنچه تاکنون پیرامون مباحث مدیریت در حوزه های علمی و فکری مورد بررسی قرار گرفته از منظر کلان نگری بوده و با توجه به حضور گسترده، روز افزون و چشمگیر زنان در عرصه های مختلف تعلیم و تربیت، فرهنگ و هنر، خانواده، اقتصاد و مدیریت کشور که بیانگر ظرفیتهای نهفته در جامعه زنان ایران اسلامی است ولی مقوله نقش مدیریتی زنان از بررسیهای علمی و تخصصی بدور مانده است. در صورتیکه آنچه منظور و هدف خطابه های قرآنی است سوق دادن جامعه به سوی عدالت اجتماعی، رفع تبعیضها و فراهم نمودن زمینه های شکوفایی استعدادهای

زنان در همه عرصه‌ها از جمله مدیریت‌های اجتماعی است که بایستی بر اساس مکتب حیاتبخش اسلام تجزیه و تحلیل گردد و آگاهی و شناختی مطلوب در مورد نقش زنان در مدیریت، تصمیم‌گیری، برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل و... در سطح کلان (جامعه) و خرد (ادارات و سازمانها) بوجود آید که تحقق آن و ایجاد تحول در نگرش نقش مدیریتی زنان موجب از بین رفتن بی عدالتیها و تبعیضها در نظام مدیریتی کشور میگردد. آنچه که در این پژوهش از حضور و نقش مؤثر زنان با مطرح کردن الگوهای قرآنی و اسلامی بیان می شود نشان دهنده گوشه‌هایی از مشارکت همه جانبه آنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری، برنامه ریزی، سازماندهی، کنترل و رهبری و هدایت جامعه سازمانی گسترده که مکان و زمان محدودش نگردانیده، می باشد و در قضاوت و نگرش توانائیهای ارزشمند زن در همه نقشهای ذکر شده کافی است.

پیشگفتار

زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند حضور شکوهمند آنان در شکل‌گیری و تداوم نظام جمهوری اسلامی و مشارکت گسترده در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، سیاسی و مدیریتی بیانگر فعالیت و تلاش این نیروی عظیم و ارزشمند در بازار کار، تلاش و فعالیت، حداقل برابر با مردان است ولی در مسند مدیریت و تصمیم‌گیری درصد زنان به مراتب کمتر از مردان میباشد و در نتیجه سهم زنان در مدیریتهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... قابل مقایسه با سهم مردان نیست در صورتیکه زنان از دیدگاه اسلام از کلیه حقوق انسانی اعم از سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به اندازه مردان بهره‌مند می باشند.

در نظام الهی، مدیریت اسلامی که در آن مبنا و اساس روابط اجتماعی شایسته سالاری با ویژگیهای الهی می باشد زنان نیز مانند سایر افراد در چنین نظامی باید از مشارکت مدیریتی در عرصه‌های مختلف برخوردار شوند تا جایگاه آنان ارتقاء یابد.

فصل اول

بیان مسئله

مقدمه

در نظام گذشته به پیروی از فرهنگ مادی استعماری و استکباری بنام علم و تمدن تحت پوشش شعارهای فریبنده، تساوی حقوق زنان و مردان، زن نیز همانند مرد تبدیل به کالا شده و در استخدام توسعه سرمایه درآمده بودالبته تفاوت مشارکت در امور اصلی جامعه مانند مدیریتهای مختلف اجتماعی و سیاسی کاملاً مشهود بود. که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) تحولی ارزشی نسبت به جایگاه زنان ایجاد گردید بطوریکه زنان با پی بردن به هویت ارزشمند خود ثابت نمودند که در نظام اسلامی همدوش مردان در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نقش متعالی خویش را ایفاکنند. بنابراین لازم است توان و استعداد زنان بعنوان نیمی از نیروی انسانی در مدیریت امور جامعه شناخته شده و مورد ارزیابی قرارگیرد. تا در برنامه ریزیهای کشور مشارکت هر چه بیشتر زنان در امور مختلف همراه با رعایت تساوی در حق استفاده از فرصتهای شغلی و نظام مدیریتی فراهم گردد.

بیان (تعریف) موضوع:

با توجه به اینکه زنان در اداره نظام کشور نقش گسترده‌ای دارند و می‌توانند بعنوان مدیر مطرح باشند لذا بایستی بر اساس مکتب حیاتبخش اسلام نقش مدیریتی زنان تجزیه و تحلیل گردد و آگاهی و شناختی مطلوب در مورد نقش زنان در مدیریت، برنامه ریزی، سازماندهی، تصمیم‌گیری، نظارت و... در سازمان جهت بکارگیری شایسته ظرفیتهای نهفته در جامعه زنان ایران اسلامی در نظام مدیریتی کشور مطابق با مکتب اسلام ارائه گردد و نباید بر اساس نقشهای محدود که زنان در حال حاضر در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... دارند، مبتنی باشند. زیرا قوانین و مقررات فعلی جامعه گاهی به تبعیض منظم و نهادی علیه زنان منجر گردیده که بایستی با ایجاد تحول در نگرش نقش مدیریتی زنان با توجه به دیدگاه اسلام زمینه رشد و ارتقاء هر چه بیشتر آنان فراهم آید که تحقق آن موجب از بین رفتن بی‌عدالتیها و تبعیضها در نظام مدیریتی کشور می‌گردد.

سئوالات تحقیق

سؤال کلی تحقیق:

آیا از دیدگاه اسلام زنان در مدیریت سازمان نقش دارند؟

سئوالات فرعی تحقیق:

- ۱- آیا از دیدگاه اسلام زنان در تصمیم‌گیری سازمان نقش دارند؟
- ۲- آیا از دیدگاه اسلام زنان در برنامه ریزی سازمان نقش دارند؟
- ۳- آیا از دیدگاه اسلام زنان در سازماندهی سازمان نقش دارند؟
- ۴- آیا از دیدگاه اسلام زنان در نظارت و کنترل سازمان نقش دارند؟

اهداف تحقیق

هدف کلی:

تبیین دیدگاه اسلام در مورد نقش مدیریتی زنان در سازمانها

اهداف جزئی:

- ۱- تبیین دیدگاه اسلام در مورد نقش زنان در تصمیم‌گیری سازمان
- ۲- تبیین دیدگاه اسلام در مورد نقش زنان در برنامه ریزی سازمان
- ۳- تبیین دیدگاه اسلام در مورد نقش زنان در سازماندهی سازمان
- ۴- تبیین دیدگاه اسلام در مورد نقش زنان در نظارت و کنترل سازمان

چگونگی و حدود مشارکت زنان در مدیریت از جمله مسائلی است که همواره مورد توجه قرار گرفته و هر نظام سیاسی و اجتماعی بر اساس ملاکهای خود تعریفی از آن ارائه نموده اند که به رغم شعار برابری حقوق زن و مرد هنوز زنان نقش خود را در عرصه مدیریت نیافته‌اند و این امر معلول متغیرهای گوناگونی از جمله عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است.

مطالعه تاریخ نشان می‌دهد که زنان بدلیل تحقیرهای روانی که در طول تاریخ با آن مواجه بوده‌اند وضعیت حضورشان در مدیریت عرصه‌های مختلف جامعه مبتنی بر فرهنگ مرد سالارانه بوده است که متأسفانه هنوز هم یکی از موانع اصلی مشارکت زنان در روند تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل سازمانها می‌باشد. و محقق سعی نموده است با توجه به اهمیت و ضرورت رفع تبعیضها^{در} نظام مدیریتی ادارات، سازمانهای کشور^{نقش زنان را} مورد بررسی قرار دهد.

باید گفت در اسلام خطابه‌های قرآنی و روایت و دلیل عقلی که بتوان بر مبنای آن حق مالکیت و مشارکت در مدیریت عرصه‌های مختلف جامعه را خاص مردان دانست یا زنان از آن منع شده باشند وجود ندارد و ریاست و حکومت زن و مرد با معیارها و ملاکهای دین مشروعیت دارد، بهمین دلیل می‌توان ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق را دریافت، زیرا در پرتو نتایج این تحقیق است که می‌توان به شناخت دقیق میزان نقش مدیریتی زنان در سازمانهای مختلف اجتماع واقف گردید و رسالت آنان را در عرصه‌های تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، سازماندهی و نظارت و کنترل دریافت.

تعریف واژه‌ها:

نقش: به رفتاری اطلاق می‌شود که مطابق با الگوهای کلی و اجتماعی و فرهنگی گروه صورت پذیرد و دیگران از شخصی که پایگاه خاصی را احراز کرده است انتظار دارند. پایگاه به موقعیت اجتماعی و جایگاهی اطلاق می‌شود که فرد در گروه یا در مرتبه اجتماعی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر احراز می‌کند. (مافی، ۱۳۷۸، ص ۸۲)

مدیریت: فرآیند بکارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت گیرد. (رضائیان، ۱۳۶۹، ص ۶)

سازمان: از نقطه نظر واژه مدیریت، سازمان عبارتست از تشکیلات اداره امور یک گروه انسانی. (پرهیزکار، ۱۳۷۲، ص ۱۷)

تصمیم‌گیری: کاری است که یک مدیر مرتباً انجام می‌دهد و آن عبارتست از ارائه پاسخ به مسائل است. (رون تری، دهقانی، ۱۳۷۸، ص ۴۳)

تصمیم‌گیری: فرآیندی است که از طریق آن راه حل مسئله معینی انتخاب می‌شود (رضائیان، ۱۳۶۹، ص ۵۷)

برنامه ریزی: عبارتست از «تدوین و تعیین فعالیتهایی که باید در محدوده راهها و در چارچوب روشهای مشخص شده انجام پذیرد». (دامغانی، ۱۳۷۷، ص ۸۰)

سازماندهی: مرتب و منظم نمودن تشکیلات یک گروه انسانی با در دست داشتن افراد انسانی، وسایل، ابزار و آلات کار. (پرهیزکار، ۱۳۷۲، ص ۵۱)

نظارت و کنترل: عبارتست از آنکه اطمینان حاصل شود که عملیات انجام شده در راه نیل به هدف

را بموقع و بطور مطلوب تأمین نموده‌اند. و یا خیر- در صورتیکه در عملیات اجرائی انحرافی حاصل گردد در اسرع وقت توسط مقامات کنترل‌کننده و ناظر تدابیر لازم بمنظور جلوگیری از انحرافات و نیل بهدف مطلوب بعمل آید. (پرهیزکار، ۱۳۷۲، ص ۵۱)

خلاصه:

در این فصل ابتدا تعریف موضوع که آگاهی و شناخت مطلوب از دیدگاه مکتب حیاتبخش اسلام در مورد نقش زنان در مدیریت است، ذکر شده و سپس سئوالات تحقیق عنوان گردیده و هدف از تحقیق که تبیین دیدگاه اسلام در مورد نقش مدیریتی زنان است آورده شده است و سپس اهمیت و ضرورت تحقیق در این قالب که نتایج این تحقیق بایستی زمینه ساز رفع تبعیضهائی که از موانع اصلی مشارکت زنان در مدیریت عرصه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی باشد مورد تشریح قرار گرفته است، پس از آن تعریف واژه ها ارائه گردیده است.

فصل دوم

پیشینه تحقیق

مقدمه

در تمدن جهان امروز که محصول تحولات پس از انقلاب صنعتی است ارزشهای الهی و انسانی در جاهلیت مدرن عصر حاضر رنگ باخته‌اند و انسانها به ابزارهای بی جان و بی اراده تکنولوژیهای عظیم و سازمانهای پیچیده اجتماعی و اداری مبدل گشته که رهبران آنها اهداف و آرمانهای متعالی انسانی را فدای بقاء و مصالح دولتمردان استکباری کرده‌اند. و انسان امروز تشنه بازگشت به فطرت الهی در جستجوی یک الگوی جامع و کامل جهت رشد و کمال انسان و بهبود نظامهای اجتماعی است.

اسلام در تمام شئون زندگی انسان مداخله نمود و برنامه و قانون دارد و همانطوریکه وظایف و عملکرد وی را در برابر پروردگار عالم بیان می کند قوانین و مقرراتی را در اختیار سازمانهای بشری قرار داده که امنیت، آرامش و کمال انسان را تأمین می کند جهت رسیدن به این هدف، قرآن کریم ضرورت مدیریت و رهبری را در مورد گوناگون و با شیوه خاص بیان می کند. مدیریت در قرآن و اسلام چه در سطح کلان (امت) و چه در سطح خرد (نظام اداری و سازمانها) دارای ابعاد اجتماعی و

کاربردی است و خطوط اصلی روابط انسانی، حقوق و وظایف انسانها را در اشکال مختلف بیان کرده است و با حفظ هویت مستقل برای زن و مرد هر دو را به یک چشم می‌نگرد و حقوق فردی و اجتماعی آنها را یکسان می‌داند و همانطوریکه هیچ برتری بین آنها قائل نیست با دادن حق مالکیت به زن، تصرف و مشارکت در اداره امور جامعه با معیارها و ملاکهای دین تأکید می‌ورزد و این حقی است که جهان از جمله دولت آزادیخواه فرانسه تا قرن بیستم نتوانست به زن اعطا کند.

بخش اول این فصل بطور اجمال به تعریف مدیریت، تصمیم‌گیری، برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل و سازمان از دیدگاهها مختلف و اسلام اشاره می‌نماید و همچنین اختصاص به تشریح دیدگاه زن در قرآن^{مورخ} دارد که سعی شده بدون افراط و تفریط نظر اسلام درباره حقوق فردی و اجتماعی زن بیان گردد. و در بخش دوم این فصل با وجود محدودیتهای بسیار چکیده‌هایی از تحقیقات مشابه در سالهای اخیر ارائه گردیده است.

تعاریف مدیریت از دیدگاههای مختلف:

- «مدیریت فرآیندی است که بوسیله آن کوششهای فردی و گروهی به منظور نیل به هدف مشترک هم

آهنگ می شود.» (صادقیور، مقدس، ۱۳۶۹، ص ۵۰)

- «مدیریت، به معنای کار کردن با و بوسیله افراد و گروهها برای رسیدن به مقاصد سازمان است.»

(آدیزس، کاوه، ۱۳۷۶، ص ۱۸۴-۱۷۹)

- «مدیریت در مهارت است و مهارت نوعی ادراک، داوری، استدلال و توانایی در بکار گرفتن دانش

مدیریت است.» (بلانچارد، کبیری، ۱۳۷۳، ص ۲۸)

- «توان و قدرت فرد برای نفوذ در رفتار اعضاء یک گروه یا یک سازمان. تعیین هدفهای گروه، ارائه

طریق برای تحقق هدفها و خلق پاره‌ای هنجارهای اجتماعی در گروه.» (مظفریان، ص ۱۱۳)

- «بکارگیری تکنیکهای مختلف اداره امور یک گروه انسانها و هماهنگ کردن همه فعالیتهای اعضای

یک سازمان برای نیل به هدف معین و مشخص» (پرهیزکار، ۱۳۷۲)

مدیریت جزئی از فرهنگ جامعه:

«علم مدیریت. جزئی از فرهنگ جامعه است و بین دانش مدیریت و پیروی از شیوه‌های فنی از

نقطه نظر رابطه با منبع اصلی هر جامعه. که فرهنگ آن قوم است رابطه‌های مستقیم وجود دارد. اما

مدیریت به طور کلی پدیده‌ای مشترک و عام میان همه افراد و همه ملت‌هاست و به خصوصیات

فرهنگی هر جامعه وابسته و متکی می باشد.» (بیان، ۱۳۶۹، ص ۴۲)

- مدیریت صحیح، زمینه ساز تربیت اسلامی و ارتقای سطح فرهنگی جامعه و افزایش آگاهی و

رشد اجتماعی مردم است و در نتیجه سبب رشد تکنولوژی و صنعت می گردد و ملت را به آبادانی و

عمران می رساند، و مردم به تبع مدیران کاردان و لایق و متفکر و خیرخواه خود در مسیر رشد و

مناسب، بخاطر بهتر رسیدن به هدف را مدیریت می گویند.» (دامغانی، ۱۳۷۷، صفحه ۱۸)

«مدیریت و اداره کردن برای بعضی هنر است و برای بعضی علم، مدیریت خواه علم باشد خواه هنر، یا هر دو، تاریخ بشری گواه آن است که توانایی مشخص در رسیدن به یک هدف مشخص به وسیله افراد دیگر، یکی از مهمترین و با ارزشترین هنرها و علوم انسانی است همچنین است ماهیت این «توانایی» که بعضی آن را «مدیریت» می نامند، بعضی «رهبری» بعضی «فرماندهی» و بعضی «ریاست» با وجود اسامی مختلف، این توانایی چیزی جز «اعمال قدرت نیست» (آستن، دامغانی، ص ۱۵)

مدیریت در جهان بینی و ایدئولوژی الهی:

هر مکتب و آئینی که طرحی برای رشد و کمال انسان ارائه می نماید یک سلسله ارزشهایی ارائه می دهد و باید‌ها و نبایدها در سطح فرد و جامعه می آورد که مجموعاً ایدئولوژی نام دارد که مبتنی بر جهان بینی آن مکتب و جهان بینی اش مبتنی بر نظریه اش درباره معرفت و شناخت است. «از دیدگاه جهان بینی توحیدی مجموع عالم بیش از واحد نیست، با ارتباط تشکیلاتی منسجم و تحت حاکمیت الله قرآن می فرماید: مسلمانان باید خودشان را با نظام عالم تطبیق دهند

«السَّمَاءُ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ»

آسمان را بر افراشت و حساب و نظم و میزانی در آن قرار داد.

و نتیجه گیری می کند که:

«أَلَا تَتَفَوَّأُونَ فِي الْمِيزَانِ»

تا شما از حد و میزان تجاوز نکنید. (سورة رحمن آیه ۷ و ۸)

(معاونت آموزش دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۳)

«اگر مدیریتی هماهنگ با مدیریت جهان هستی نباشد، رضایت باری تعالی را همراه ندارد، و در معرض سقوط و انحطاط قرار می‌گیرد، از این رو مدیریت انسان در مجموعه مدیریت کلی عالم ملاحظه شده و از او خواسته شده که با این نظام مدیریتی جهان، هماهنگ شود و زندگی خود را با نظام هدفدار هستی هماهنگ سازد.» (ابراهیمی، ۱۳۷۵، ص ۴۲ و ۴۳)

«فلسفه مدیریت، نظیر فلسفه نبوت است، به این گونه که خداوند علاوه بر عقل و خردی که به انسان داده است، جهت خوب زندگی کردن انسان و به کمال رساندن او را هم مورد توجه قرار داده است و اگر فلسفه نبوت، رشد دادن جامعه و انذار و تبشیر افراد آن باشد، مدیریت نیز بخشی از آن است، چون مدیریت از نظر فلسفه وجودی، ماهیت امامت را که راه و کار انبیاست در بردارد.» (ابراهیمی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۳)

«از دیدگاه اسلام ضرورت مدیریت تا آنجاست که اگر گروهی قصد مسافرت داشته باشند، در حالیکه تعدادشان از سه نفر هم بیشتر نباشد باید یکی از آن سه را بعنوان مدیر برگزینند تا روح نظم و انضباط را بر اجتماع خود حاکم گردانند و کارها در پناه نظارت و هماهنگی مدیر نتیجه مطلوب را بدست آورد.»

قال النبی (ص):

«اذا كان ثلاثة في سفر فليومروا احدهم»

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هرگاه در مسافرت تعداد مسافران به سه نفر رسید

باید یکی از آنها مدیریت گروه را مسئول شود.» (دامغانی، ۱۳۷۷، ص ۴۸)

«مدیریتی که زمینه رشد انسان بسوی الله» الی الله المصیمر را فراهم نماید و مطابق کتاب و سنت و روش پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) و علوم فنون و تجارب بشری جهت رسیدن به اهداف یک نظام در ابعاد مختلف، همانند یک مدار و قطب عمل کند، مدیریت اسلامی می نمایم.» (سازمان امور استخدامی، ۱۳۷۵، ص ۱۳)

«رهبری و مدیریت در عرف امروز با همه توسعه و شمولی که پیدا کرده است اگر بخواهیم مرادفی برای آنها در مصطلحات اسلامی پیدا کنیم باید بگوئیم: ارشاد و رشد یا هدایت و رشد. اما رشد بهره برداری از آنها سرمایه‌های انسانی و اداره و به کارگرفتن آنها و پرورش دادن آنها و بهره برداری از آنها و سامان دادن و سازمان دادن به آن نیرو و آزاد کردن و حرارت بخشیدن و از سردی و افسردگی وجود خارج کردن آنها و باز کردن یعنی پاره کردن زنجیرهای معنوی و روحی آنها که اینچنین رشدی همان است که امروز به نام مدیریت و یا رهبری نامیده می شود.» (شهید مطهری، ۱۳۶۴، ص ۲۲۲)

«قدرت رهبری همان قدرت بر هدایت و ارشاد است در اصطلاحات اسلامی، و قدرت مدیریت همان است که در اصطلاح فقه اسلامی، «رشد» نامیده شده است.» (شهید مطهری، ۱۳۶۴، ص ۲۰۹)

«مدیریت انسانها و رهبری آنها عبارتست از فن بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن، بهتر سازمان دادن، بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و بکار بردن آنها.» (شهید مطهری، ۱۳۶۴، ص ۲۳۵)

«اصل هدایت و رهبری مفهوم تکامل یافته امر سرپرستی انسان بر انسان است که در طول تاریخ حیات بشری به گونه‌های متفاوت بروز نموده و متکی بر مناسبت‌های مختلف اجتماعی زندگی انسان می باشد این اصل در مدیریت توحیدی نیز از مترقی‌ترین اصول است چون تکیه عمده اسلام در نوع روابط انسانی و بهره برداری از منابع انسانی تأکیدکننده و تعیین نوع رهبری و نقش رهبری در اسلام است و طبعاً رهبری در سازمان نیز به عنوان شاخه‌ای از مفهوم کلی رهبری قابل بررسی و مطالعه خواهد بود.» (انصاری، ۱۳۷۸، ص ۱۵۹)

تصمیم‌گیری:

کاری است که یک مدیر مرتباً انجام می دهد و آن عبارتست از ارائه پاسخ به مسائل است. (رون تری، ترجمه دهقانی، ۱۳۷۸، ص ۴۳)

تصمیم‌گیری جوهره شغل مدیریت است. وظایف اساسی مدیریت برنامه ریزی، سازماندهی، کارگزینی، رهبری و نظارت است که انجام هر کدام مستلزم تصمیم‌گیری‌هایی است. (فریدیان، ۱۳۷۸، ص ۸۲)

اتخاذ تصمیم در واقع وسیله اصلی برای اجرای برنامه است. تصمیمها راه نیل به هدف را بیان می دارند و به همین علت همبستگی وظایف مدیر را می توان در تصمیمها ملاحظه کرد.

مشخصات یک تصمیم مؤثر در سازمان:

الف - انعطاف پذیری

با توجه به اینکه شرایط اجرای تصمیم ثابت نیست تصمیم باید طوری اتخاذ گردد که از

انعطاف پذیری لازم برخوردار باشد.

ب - قابل درک

یک تصمیم باید به مقدار کافی قابل درک باشد تا امکان اجرای برنامه حاصل گردد و منظور تصمیم گیرنده را بوضوح بیان کند.

ج- ایجاد هماهنگی

هماهنگی فعالیتهای واحدهای مختلف یک سازمان باید از طریق تصمیمهای مدیر ایجاد گردد.

د- اخلاقی بودن

یک تصمیم باید با توجه به معتقدات و اخلاقیات هر جامعه اتخاذ گردد. تصمیمی که از این محدوده تجاوز کند احتمالاً مشکلات بسیاری در داخل و خارج سازمان بوجود می آورد. (صادقپور، مقدس، ۱۳۶۹، ص ۶۴)

نظریه‌های مدیریت که بازگوکننده مجموعه تحقیق‌ها پیرامون برنامه ریزی، شناخت سازمان، سازماندهی، نوپذیری و نظارت است. در حقیقت چیزی جز تصمیم‌گیری بموقع نیست. فن تصمیم‌گیری که توانایی حل مشکل و انتخاب بهترین راه در بین راههای موجود است. (بیان، ۱۳۶۹، ص ۲۷۲)

تصمیم‌گیری در اسلام

مکتب حیاتبخش اسلام دستور می دهد که در انجام هر امری هنگامی که جوانب امور روشن شد به سرعت و با قاطعیت تصمیم بگیرید و اقدام کنید.

امام علی (ع) می فرماید:

«ولا تجعلوا علمکم جهلاً، و یقینکم شکاً، اذا علمتم فاعملوا، و اذا تیقنتم

فاقدموا».

«علم خود را جهل و یقینتان را شک نشمارید، چون دانستید عمل کنید و چون

(حکمت ۲۶۶، ص ۱۲۲۰)

یقین کردید اقدام کنید.

تصمیم‌گیری و قاطعیت و عزم

یکی از ویژگیهای مدیریت، قاطعیت است. متأسفانه برداشت غلط باعث گردیده تا تصمیم

گیریهای عجولانه را قاطعیت بدانند و بعضی هم، استبداد و خشونتها و از موضع دیکتاتوری برخوردار

کردن را قاطعیت بحساب آورند. برای رفع اینگونه ابهامات لازم است قاطعیت را معنا نمود:

«زمانیکه مطالعات لازم، برای انجام کار صورت گرفت، پیشنهادات و نظرات دیگران هم بدست

آمد. از مطالعات پیشنهادها نتیجه واحدی حاصل می‌گردد و نیز زمینه اجرای کار هم از هر جهت فراهم

باشد. تصمیم برخاسته از همه این تلاشهای آگاهانه را با جدیت و جرأت، در چارچوب قانون اجرا

کردن، «قاطعیت» می‌نامند.

در منابع اسلامی واژه «عزم» که بمعنی، آهنگ اجرای کار، و تصمیم قاطع برای انجام کار می‌باشد.

«عزم» و «قاطعیت» از صفات پیامبران است و هیچ رسولی از جانب خداوند، برای هدایت و رهبری

امت خود مبعوث نگردیده است که از صفت عزم و قاطعیت برخوردار نبوده باشد». چنانکه امام علی

(ع) می‌فرماید:

«و لکنّ الله سبحانه، جعل رسله اولی قوّة فی عزائمهم»

خداوند سبحان، پیامبران خود را در تصمیمها و قاطعیت‌های دارای قدرت قرار

نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴

داد.

مراجعه به قرآن کریم، بویژه آیات مربوط به تلاشهای مخلصانه پیامبران بزرگ الهی و توصیه‌های

خداوند به آنها می‌توان مفهوم قاطعیت را هر چه بهتر روشن نمود

«و شاوورهم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل علی الله»

ای پیامبر، آنگاه که برای جنگ با سرکشان و ستمگران خود را آماده می‌کنی

مشورت کن، پیشنهادهای افراد خیرخواه و نظرات انسانهای آگاه را بگیر و چون

مقدمات کار سنجیده شد عزم خود را با توکل بر خدا جزم کن.

(سوره آل عمران، آیه ۱۵۹) (تقوی دامغانی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۵ و ۱۴۶)

برنامه ریزی:

برنامه ریزی از اساسی‌ترین اصول مدیریت است.

برنامه ریزی عبارتست از «تعیین پیشاپیش راهها و ابزار برای دستیابی به اهداف مورد نظر.

برنامه ریزی کوششی برای کنترل آینده است. و یک برنامه سه جنبه اصلی زیر را داراست.

۱- اهداف ۲- اجرای برنامه، ۳- ارزیابی (رون تری، دهقانی، ۱۳۷۵)

برنامه ریزی نه فقط از مبانی مدیریت است بلکه تکلیف الهی و اسلامی است.

اسلام و برنامه ریزی:

اسلام به انسان با دیدی جامع می‌نگرد به برنامه ریزی در ابعاد گوناگون مادی و معنوی معتقد است

و اسلام چیزی جز یک برنامه کامل نیست قرآن و سنت دو منبع غنی و گسترده‌ای هستند که برنامه

زندگی فردی و اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، اخلاقی و اقتصادی انسان مسلمان را مشخص کرده‌اند و

برای لحظه لحظه های زندگی او، از آنهنگام که چشم بجهان می گشاید و تا می میرد و حتی پس از مرگ برنامه ریزی دقیق کرده اند.

حضرت علی (ع) در نامه ای به زیاد ابن ابیه جانشین حاکم بصره تعلیم برنامه ریزی می دهد و می

فرماید:

«فدع الاسراف مقتصدا، و اذکر فی الیوم غداً، و امسک من المال بقدر

ضرورتک و قدم الفضل لیوم حاجتک.»

«زیاده روی را واگذار، و تعادل و میانه روی در مسائل اقتصادی را پیشه خود

ساز، از همین امروز ب فکر فردا باش، و از امکانات خود بمقدار ضرورت استفاده

کن و پس انداز افزوده را با برنامه ای منظم، بخاطر روز نیازمندی دنیا و آخرت.

به آینده اختصاص بده»

برنامه:

بمعنی راه و روشی که از نظر زمانی به آینده متکی می باشد.

در جمله ای کوتاه می توان گفت که: «برنامه ریزی یعنی انتخاب راه و روشی مناسب برای بهتر

رسیدن به هدف.»

در برنامه ریزی باید اصول زیر مورد توجه قرار گیرد:

الف - تعیین و تبیین اهداف

ب - تعیین نقطه آغاز

مرکز اطلاعات و مرکز علمی ایران
تاسیس در آران

ج - مقدار فاصله مابین مبدأ حرکت تا منتها

د - مقدار زمان مطلوبی که باید به آنجا رسید

ه - توانایی و شناسایی امکانات و ابزار موجود

و - مشکل و چگونگی حرکت

ز - شناسایی راههای رسیدن به هدف

ح - انتخاب راه نزدیکتر و سهل‌المتونه‌تر (دامغانی، ۱۳۷۷، ص ۸۰)

سازماندهی:

سازماندهی عبارتست از جریان تعیین و تقسیم و گروه بندی کارها و مشخص کردن مسئولیت‌ها و

واگذاری اختیارات و برقراری روش جوابگویی برای قادر ساختن افراد به کار مؤثر و کافی جمعی،

برای رسیدن به هدفهای تعیین شده.

مزایای سازماندهی عبارتند از:

الف - ایجاد نظم و هماهنگی برای رسیدن به هدف‌ها.

ب - بهره برداری کامل از منابع مادی و انسانی به طور شایسته.

پ - تعیین حدود و اختیار و مسئولیتها.

ث - تفویض اختیار

ج - روشن بودن سلسله مراتب، بطوریکه هر کس بداند از کجا باید دستور بگیرد و به کجا دستور

بدهد. (گزارش و گزارش‌گیری)

چ - جلوگیری از دوباره کاری و تقسیم منطقی کارها

ح - استفاده از مهارت متخصصان و کاردانی‌خبرگان (بیان، ۱۳۶۹)

سازماندهی در اسلام:

در فرهنگ اسلامی که فرهنگ نظم و انتظام است به سازمان و سازماندهی با دیدی عمیق نگریسته می شود، تقسیم کارها، حدود وظایف، جلوگیری از تداخل امور، اختیار و آزادی در محدوده مسئولیت، همه از مسائل هستند که برای دستیابی به سعادت و سیادت در نظام اسلامی از ضروریات زندگی بشمار می رود.

امام علی (ع) در نامه معروف به مالک اشتر نماینده خود در مصر جامعه را دارای طبقات اجتماعی مختلف می داند و هر یک از آنها را بر اساس نوع کار و چگونگی مسئولیتشان دسته بندی نموده و با بیان روشن، وظایف و تأثیری که بر دیگر قشرها می گذارند و تأثیری را که از دیگر قشرها می پذیرند، تحت سازمانی مستقل گرد آورده است و به نماینده خود تأکید می کند تا منزلت و جایگاه هر سازمانی را بشناسد و بهای مناسب را در جهت جفظ و تقویت آن بپردازد.

«و اعلم ان الرعيه طبقات لا يصلح بعضها الا ببعض ولا غنى ببعضها عن بعض»

«ای مالک! بدانکه جامعه تحت نظارت تو به طبقات مختلفی تقسیم شده اند و کار

هیچ گروهی جز با گروه دیگر به کمال نمی رسد و هیچ دسته ای از دسته ای دیگر

بی نیاز نیست. (نیج البلاغه نامه ۵۳) (دامغانی، ۱۳۷۷، ص ۸۶)

نظارت و کنترل:

مدیر بعنوان یکی از وظایف اصلی باید، شیوه ها، امکانات و عملیات گوناگون تشکیلات را زیر پوشش نظارتی قرار دهد تا حرکت دستگاهها با انحراف، و امکانات موجود به هدر نرود (دامغانی، ص

نظارت و کنترل تعاریف مختلفی دارد، اما بطور کلی عبارت است از فرآیندی که مدیر از طریق آن میزان تطابق عملیات انجام شده را با فعالیتهای برنامه ریزی شده می سنجد. بنابراین نظارت و کنترل مقایسه‌ای بین «بایدها و هست‌ها» است.

مراحل انجام نظارت و کنترل:

۱- تعیین معیار و ضابطه برای کنترل

۲- سنجش عملکرد در برابر معیارها

۳- تشخیص انحرافات و تحلیل آنها

۴- اقدامات اصلاحی

(معاونت آموزش دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۳)

اسلام برای اعمال نظارت بر سازمانها و تشکیلاتش شیوه‌های مخصوصی دارد که بغیر از مکتب انبیاء در هیچ سیستم و نظامی نمی‌تواند وجود داشته باشد زیرا بخش عمده نظارت، بر محور ایمان بغیب می‌گردد.

راههای اعمال نظارت در اسلام:

۱- خدا و فرشتگان

در بینش اسلامی هیچ موجودی نیست که زیر دید دقیق خدا نباشد. بنابراین در یک مؤسسه از بالاترین مقام تا پائین‌ترین آن را دستگاه خداوندی کنترل می‌کند.

«یعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور.»

«خداوند به خیانت چشمها و محتوای دلها و اندیشه‌ها آگاه است.»

(سوره مؤمن، آیه ۱۹)

«ما یلفظ من قولٍ آلا لدیه رقیب عتید.»

«سخنی از خیر و شر بر زبان انسان جاری نمی‌شود، مگر اینکه رقیب و عتید

(سوره ق، آیه ۸)

می‌نویسند.»

خداوند می‌گوید ما نه تنها بر ظریفترین اعمال ظاهری شما نظارت داریم، بلکه موج اندیشه‌ها، شور عشقها، خلوص نیت‌ها و پلیدی قصدها را می‌دانیم و علاوه بر نظارتی که بر جهان ظاهر داریم جهان درون را نیز ناظر هستیم.

۲ - نفس لَوّامه

نفس ملامت‌گر یا وجدان اخلاقی که در درون انسان قرار دارد در هر حال بر اعمال انسان نظارت

می‌کند.

«لا اقسام بالنفس اللّوامة.»

«قسم به ملامت‌گری که بشر را در مورد گناهان سرزنش می‌کند.»

(سوره قیامت، آیه ۲)

بوسیله نفس لَوّامه جلو بسیاری از قانون شکنیها و تخلفات گرفته می‌شود و از این طریق بخش

قابل توجهی از امنیت و آسایش در اجتماع بوجود می‌آید و نیز آرامش مطلوب در درون اشخاص فراهم می‌شود. و مدیر می‌تواند با احیاء انی نیروی درونی یک «نگهبانی» یا «خودکنترلی» در اعضا تشکیلات بوجود آورد و زمینه را برای رشد سریع کارها فراهم سازد.

۳- نظارت همگانی

اسلام مسئله نظارت را تنها وظیفه افراد خاصی نمی‌داند بلکه به کلیه مردم بعنوان قانون شرعی و تکلیف الهی آموزش می‌دهد و با قانون امر به معروف و نهی از منکر، هر فرد مسلمانی موظف است که به اصلاح امور دیگران قیام کند و با تبلیغ، خوبیها را گسترش و از بدیها جلوگیری کند.

«المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر.»

«مردان و زنان باایمان بعضی ناظر و سرپرست بر بعضی دیگر هستند به این معنا که همدیگر را امر بمعروف و نهی از منکر می‌کنند.» (سوره توبه، آیه ۷۱)

اسلام با وضع قانون امر به معروف و نهی از منکر سیستم نظارتی و کنترل فراگیری را بوجود می‌آورد و مدیر اسلامی با اعتقاد به این قانون مترقی می‌تواند نظارت و کنترل را در سطح کلیه واحدهای سازمان بنحو شایسته انجام دهد.

۴- مدیران

پیامبرگرامی اسلام در مورد اینکه مسئولیت نظارت هر تشکیلاتی بر عهده مدیر آن تشکیلات می

باشد فرموده است:

«کلکم راع و کلکم مسئول فالامام راع و هو مسئول و الرجل راع علی اهله و هو

مسئول و المرأة راعية علی بیت زوجها و علی ولدها فکلکم مسئول عن رعية.»

«همه شما نگهبان و مسئول یکدیگر هستید، پس امام مسئول امت و مرد مسئول

خانواده، و زن مسئول بر امور خانه و فرزندان است، پس همه شما در منصب

مدیریت مسئول کسانی هستید که زیر نظر شما کار می کنند.»

(صحیح بخاری، ج ۳) (دامغانی، ۱۳۷۷)

سازمان:

محققان تعاریف مختلفی از سازمان را ارائه نموده اند که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می گردد.

- سازمان عبارتست از وجود هماهنگی معقول در فعالیت گروهی از افراد برای نیل به یک هدف

مشترک از طریق تقسیم کار و وظایف و از مجرای سلسله مراتب اختیار و مسئولیت قانونی.

(ادگار شاین، صادقپور و مقدس ۱۳۶۹ ص ۴)

- سازمان را مجموعه ای از روابط منظم و عقلایی می دانند که بین گروهی از افراد که وظایف

پیچیده و متعددی را انجام می دهند و کثرت تعداد آنها به قدری است که نمی توانند با هم در تماس

نزدیک باشند، برای تأمین هدفهای مشترک خاصی برقرار می شود. (فیفتر و شروود، ترجمه اقتداری،

سازمان و مدیریت)

- سازمان عبارتست از هماهنگ ساختن کارهایی که شخص یا گروه می باید با نیروی فکر و قدرت

اجرای لازم به منصفه ظهور در آورد. (بیان، ۱۳۶۹ ص ۱۰۱)

سازمان در اسلام:

انبیاء در آغاز حرکت خود، بر طبق برنامه مدون و منظمی که از طریق «وحی» به آنان ابلاغ گردیده است، سازمان «امت» را بوجود می آورند.

«إِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون.»

این ^{است} امت شما هر امت واحد است و من، هر پروردگار شما پس مرا بندگانگی

(سوره انبیاء، آیه ۹۲)

کنید.»

گام دیگری را که انبیاء در حوزه مدیریت خود برمی دارند اینست، همبستگی و هماهنگی موجودات جهان آفرینش را بعنوان یک اصل تربیتی، آموزش می دهند و به کلیه پیروان خود که در زیر چتر «سازمان» گرد آمده اند می آموزند که از جهان شکوهمند بی نهایت بزرگیها تا جهان شگفت انگیز کوچکها سخت به یکدیگر مرتبط اند و لذا کمترین حرکت در گوشه ای از سازمان آفرینش موجی بس شدید را در سایر قسمتها باعث خواهد شد. بنابر اصل فوق، انسان که خود یکی از موجودات این جهان است هرگز نمی تواند در زندگی از این قانون کلی حاکم بر خلقت جدا باشد.

(دامعانی، ۱۳۷۷، ص ۹۲ و ۹۳)

سازمان دین اسلام که به جرأت میتوان آنرا وسیعترین سازمانهای جهانی نامید در بقاء و جریان خود به نگهبان و گرداننده نیازمند است و پیوسته افراد شایسته ای می خواهد که معارف و قوانین آنرا به مردم برسانند و مقررات دقیق آنرا در جامعه اسلامی اجراء کنند و کمترین غفلت و مسامحه در رعایت و نگهداری ^{آن} روادارند. (طباطبایی، ص ۱۴۸)

زن در قرآن:

«مسئله اینکه زن در قرآن از چه پایگاه عظیمی برخوردار است، مبتنی بر اینست که: انسان در قرآن چه پایگاهی دارد. چون قرآن کریم هرگز برای هدایت «مرد» نیامده است برای هدایت «انسان» آمده است.» (جوادی آملی، ۱۳۷۴، صفحه ۶۳)

«آیات قرآن کریم به چند طائفه دسته بندی می شوند»:

طائفه اولی: آیاتی هستند که اختصاص به صنف مخصوصی ندارند، مانند آیاتی که در آن سخن از ناس یا انسان است و یا باللفظ «مَن» ذکر شده است.

طائفه ثانی: آیاتی است که سخن از مرد دارد مانند: آیاتی که در آن ضمیر جمع مذکر استعمال شده است و آیاتی که از لفظ «مردم» استفاده شده است و مانند آن، مثل اینکه می فرماید: «یعلمکم، یعلمهم و...».

ولی بر اساس فرهنگ محاوره است که وقتی می خواهند سخن بگویند می گویند مردم چنین می گویند، مردم انتظار دارند، مردم در صحنه اند، مردم رأی می دهند. این «مردم» در مقابل زنان نیستند، بلکه مردم یعنی «توده ناس».

پس نباید از نحوه تعبیری که در فرهنگ محاوره و ادب رایج است چنین برداشتی کرد که قرآن فرهنگ مذکرگرائی دارد.

طائفه ثالث، آیاتی است که در آن لفظ مرد و زن به کار رفته است و به صراحت می گوید: در این جهت زن و مردی در کار نیست یا فرقی نمی کنند نظیر آنجا که می فرماید:

«من عمل صالحا من ذکرا و انثی و هو من فلنحینه حیاة طیبه».

است بزداييد «و عاشروهنّ بالمعروف و ان کرهتموهن» اگر خوششان نمی آيد که آنها مانند شما سمتی داشته باشند و در جامعه و صحنه سیاست و درمان و پرشکی و فرهنگ و تدریس حضور داشته باشند، این امر را تحمّل کنید شاید خیر فراوانی در این کار باشد و شما نمی دانید.

«و عاشروهنّ بالمعروف»

معروف یعنی به رسمیت شناخته شده، چیزی را که عقل به رسمیت می شناسد و پیش وحی و صاحب شریعت به رسمیت شناخته شده است، معروف است. و چیزی را که عقل و دین آن را به رسمیت نمی شناسد، نکره و ناشناخته است و می شود منکر. فرمود: «با صنف زن طوری رفتار کنید که عقل و شرع او را به رسمیت می شناسد، این قشر عظیم را منزوی نکنید و با آنها بد رفتاری نکنید. مرد سالاری در جامعه نباشد و نباید گفته شود که این رشته علمی مربوط به مرد است و زن نمی تواند عهده دار آن باشد، یا زن نمی تواند در رشته های علوم تجربی، انسانی و مانند آن متخصص بشود... حضور زن در صحنه هر روز و همیشگی است و همین حیات اجتماعی زن است که می تواند در مسئله جهاد و دفاع سهم مؤثری را ایجاد کند. (جوادی آملی، ۱۳۷۴، صفحه ۳۶۹ و ۳۷۰)

«اندیشه ناب اسلامی به انسان بودن زن و مرد در آفرینش از دیدگاهی واحد می نگرد. و هر دو را یکجا به سازندگی حرکت تمدن اسلامی در عرصه حیات انسانها فرا می خواند و مسئولیت انحراف از مسیر یا پایداری در عقیده را یکسان به دوش هر دو می گذارد و بر اساس اصل تکامل انسانی، نقشها و مسئولیتها را بین آن دو تقسیم می کند.» (فضل ا...، ۱۳۷۳)

«میدان، عمل زن در زمینه فعالیت های فرهنگی و اجتماعی گسترده است و توان پذیرش

(سوره نحل، آیه ۹۷) (جوادی آملی، ۱۳۷۴، صفحه ۸۷)

اهتمام قرآن به شخصیت زن:

«چون در ایام نزول قرآن حرمت زن محفوظ نبود، لذا بیش از حد توقع و انتظار بر مسئله حرمت

زن تکیه نمود و در تمام شئون برای او سهمی قائل شد و تصریح به تساوی و مانند آن کرد.» (جوادی

آملی، ۱۳۷۴، صفحه ۱۲۳)

عظمت حقوقی و اجتماعی زن در قرآن:

قرآن دربارهٔ عظمت حقوقی و اجتماعی زن می فرماید:

«... و عاشروهنّ بالمعروف فان کرهتموهنّ فعسی ان تکرهوا شیئاً و يجعل الله فیه

(سوره نساء، آیه ۱۹)

خیراً کثیراً...».

... قرآن می فرماید:

با زنها معاشرت نیک داشته باشید و زن را چون مرد در مجامعتان راه دهید و اگر

خوش آیندتان نیست که آنها در مجامعتان شرکت کنند این کار ناخوشایند را

بکنید چرا که ممکن است خیر فراوانی در این کار باشد و شما ندانید.

«و عاشروهنّ بالمعروف» این معاشرت، اختصاصی به مسائل خانوادگی ندارد یک وقت است

تعصب جاهلی یا رواج یک فرهنگ ناصواب یا تعصب خام و مانند آن به مرد این چنین تلقین می کند

که تو نمی توانی با زن در یک مؤسسه همکاری کنی یا زن در جامعه نمی تواند حضور فعال داشته باشد.

قرآن کریم در این زمینه می فرماید: این گونه از تعصبات و رسومات جاهلی را که فرهنگ باطل

مسئولیت‌های اجتماعی و فرهنگی را با توجه به نیرویی که دارد خواهد داشت... قرآن کریم زن را در
چهرهٔ ملکه سبا می‌شناساند زیرا مسئولیتش موجب رشد عقلی و تکامل فکری اش شده بود به گونه‌ای
که می‌توانست بر مردانی که در او شخصیتی نیرومند و خردمند و توانمند بر اداره امور سراغ داشتند
حکم برانند». (فضل ا...، ۱۳۷۳)

مروری بر تحقیقات مشابه:

تحقیقی با عنوان مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه امام خمینی (ره) توسط پروانه مافی در سال

۱۳۷۸ انجام شد که در آن آمده:

مشارکت اجتماعی زنان در اداره امور جامعه با توجه به منابع اسلامی:

با بررسی در منابع ارزشمند اسلامی، چون قرآن کریم و سیره معصومین (ع)، جواز مشارکت

اجتماعی زنان در جامعه توسعه یافته اسلامی مشاهده می‌کنیم و ضرورت وجود آن را در صحنه‌های

مختلف به خوبی در می‌یابیم.

۱- قرآن کریم بیعت با حکومت را، که بارزترین فعل سیاسی است، برای زنان پذیرفته و

عرصه‌های مختلف تاریخ صدر اسلام نشان دهنده تحقق این عمل سیاسی از سوی زنان می‌باشد.

۲- هجرت، شکل دیگری از تعامل و مشارکت دو جانبه سیاسی و اجتماعی زنان بوده است و در

دو مهاجرت مهم صدر اسلام زنان نقش مؤثر و فعال داشته‌اند.

۳- امر به معروف و نهی از منکر، از تکالیف اجتماعی ناشی شده و هر مرد و زن مسلمان بدان

موظفند.

۴- پرداختن قرآن به داستان ملکه و اقتدار و حکومت او در قرآن کریم، تصدی زن در بالاترین

نقطه هرم قدرت در جامعه اسلامی را به خوبی اشعار می‌دارد.

۵- مباحله، رفتار مذهبی، اجتماعی است که مشارکت زنان در آن به خوبی مشاهده می‌شود.

۶- اشتغال زنان در عصر پیامبر (ص) به صورتی وسیع وجود داشته است، چنانچه در کلیه مشاغل

آن روز این مشارکت دیده می‌شود. این شواهد نشان می‌دهد که منابع اصیل دینی ما بر مشارکت فعال

زنان و پویایی آنان در این حوزه، جواز صادر نموده و حمایت کرده‌اند. امام خمینی (ره) توفیقاتی

بزرگ را در حفظ و عمق بخشیدن به مشارکت اجتماعی به زنان بدست آوردند و نشان داده که زن اسلامی می تواند همان زنی باشد که در عین رعایت موازین اسلامی در تمام صحنه های مختلف اجتماعی، حضوری صحیح و فعال داشته باشد و امام خمینی (ره) لزوم تحوّل اندیشه ای و معنوی برگرفته از نهضت اسلامی زنان و دخالت در امور اجتماعی و سیاسی را تأکید می نمایند؛ ایشان مشارکت فعال اجتماعی زنان در کلیه شئون زنا سعاد و نیکبختی ملت محسوب می کنند و سپردن مدیریت جامعه به زنان و پذیرش از طرف آنان را در نظام اسلامی از حقوق حقه زنان بر می شمرد. ایشان حتی همدوشی زنان و مردان در صحنه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در راستای تثبیت آرمانهای جامعه اسلامی را افتخار رهبری و جامعه و نظام اسلامی می دانند.

تحقیقی با عنوان «جایگاه زن در آفرینش» توسط نهله غروی نائینی در دانشگاه تربیت مدرس

در سال ۱۳۷۸ انجام شده، این تحقیق بیان می کند که:

در دورانی که میان ملل متمدن و غیر متمدن موجود در دنیا، زن از جایگاهی پائین تر و پست تر از مرد برخوردار بود و او را چیزی حدوسط بین انسان و حیوان می پنداشتند و حقوق و موقعیتش را ندیده می انگاشتند، کتاب آسمانی قرآن و دین مبین اسلام ظهور یافتند و حیثیت و ارزش زن را به او بازگرداندند. در این کتاب الهی می خوانیم که خداوند حکیم به فرشتگان اعلام می دارد که خلیفه ای بر روی زمین خلق می فرماید:

«و اذا قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفة قالوا اتجعل فيها من يفسد

(سوره بقره آیه ۳۰)

فيها و يسفك الدماء».

خلیفه یعنی جانشین، کسی که نماینده الله بر روی زمین باشد. از سؤال فرشتگان و پاسخ خداوند معلوم می‌گردد که هدف از خلق کردن است موجود، به کمال رسیدن و نزدیک شدن به صفات خداوندی است. پس از خلقت این خلیفه (آدم)، خداوند زوج او (حواء) را از جنس همو (آدم) می‌آفریند تا معاون و مددکار او باشد. جفت آدم در مسائل و اموری که مورد نظر الهی است، از زندگی بر روی کره خاکی تا عبادت خداوند و پیمودن درجات کمال انسانیت با او شریک است و مقامش، همان مقام انسانی خلیفه خداست. و محقق نتیجه می‌گیرد که:

زن همگام با مرد و در کنار او، مسئول است تا بار امانت را به دوش کشد و راه تکامل را بییماید، و هدف از آفرینش او، انجام وظیفه‌اش بر کره خاکی و عبادت الله است و نقش زن در خلقت جدای از موقعیت مرد، نیست و او انسانی است با مقام والای انسانیت و می‌تواند به مراتب عالی دست یابد، همانگونه که زهرای اطهر (س)، این الگوی انسانیت، این انسان به تمام معنا، در درجات عالی انسانیت قرار داشت، زنان هم می‌توانند با تاسی به روش زندگی و سیره آن بزرگوار، به مدارج عالی انسانیت برسند.

مقاله‌ای تحت عنوان «نقش زنان در جامعه مدنی» در سال ۱۳۷۸ توسط فرشته قشقایی در

کنگره جهانی جایگاه و نقش زن از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) ارائه شده است:

جامعه مدنی با ویژگیهای مشارکت مردم در اداره امور خود، نیازمند وضع قوانین عملی و قابل اجرا و پیگیری است. عدم حضور زنان یا حضور بسیار ضعیف آنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاریهای دولت، منحصر به کشور ما و کشورهای نظیر ما نیست، بلکه در کشورهای توسعه یافته نیز بر اساس آمار و ارقام و تحلیلهای آماری که صورت می‌گیرد، تأکیدی بر مطلب فوق است. ولی

هنجار سازی و توانمند سازی زنان در رشد سازمانهای مدنی و حضور مستقیم و غیر مستقیم آنان تا حدودی از عمق شکاف می‌کاهد.

زنان به عنوان نیمی از جامعه با حفظ نقش محوری و مدیریت خانواده در هنجار سازی و شکل‌گیری و اجرا و پیگیری سیاستها و خط‌مشی‌های عمومی در جامعه در صدد ایفای نقش سازنده خود می‌باشند و حتی به جرأت می‌توان گفت که بیش از مردان، تأثیرگذارند، زیرا که با ارتقای فرهنگ و مهارت‌های علمی و عملی آنها مدرسان خوبی جهت دانشگاه خانواده به منظور حضور فعال و قانونمند فرزندان و کلاً اعضای خانواده در جامعه مدنی هستند.

از طرف دیگر با ایجاد و حضور فعال زنان در سازمانهای مدنی، مانند شوراهای غیردولتی و... می‌توانند پل ارتباطی محکمی بین نخبگان (سیاستگذاران) و توده مردم مجریان سیاستها باشد. تأکید بر این موضوع به زنان اجازه خواهد داد که استعدادهای بالقوه خود را رشد دهند و از تواناییهای خود جهت تحقق جامعه مدنی استفاده کنند.

از این مقاله استنتاج می‌گردد که زنان به عنوان هسته مرکزی نقش بسیار ارزنده‌ای را در اتخاذ تصمیمها و به اجرا درآوردن آنها دارند. آنانند که با هنر مشارکت با سایر افراد خانواده باید توانایی تشخیص و تحلیل مسائل و ارزیابی آنها را داشته باشند.

تحقیقی با عنوان «نقش زن در جامعه: زن و عدالت اجتماعی» توسط محمد رضا کیکاووسی

در سال ۱۳۷۸ انجام شده است، این تحقیق بیان می‌نماید که:

قرآن مجید که سند عقلی در زندگی انسانهاست و در دسترس تمامی آحاد قرار دارد، گواه صادقی

است بر این مطلب که زن و مرد هر دو از یک جنس با تفاوتها اخلاقی و... بوجود آمده‌اند و هیچ کدام

بر دیگری رجحانی نیست.

از این رو با توجه به کتاب مبین، که خط مسیر حرکتی انسان به سوی تکامل و تعامل و رسیدن به مقام قرب و همنشینی با حضرت دوست است. و سیره نبوی و امامان معصوم (ع) و کلام امام (ره) که جدا از مسائل اسلامی نیست، بلکه مغز و پوست و تمامی مسائلی که در باب حرمت زن و عدالت اجتماعی که زن در سایه آن می تواند به شکوفایی خود و فرزندان جامعه بپردازد و به عنوان زن مسلمان همدوش مردان در عرصه های پیکار و تلاش و آفرینندگی و بالندگی حضور فعال داشته باشد. عدالت و قسط حق تمام آدمیان، اعم از زن و مرد است و یکی از افتخارات ما نیز در همین طرز برداشت مذهبی نهفته است که همواره تاریخ در کنار آدم، حوا، در کنار محمد (ص)، خدیجه کبری (س) و همراه علی (ع)، فاطمه زهرا (س) و همدوش حسین (ع)، زینب (س) بوده است و هیچ گاه فاصله و مرزی در بین این دو تن واحد و دو روح متعالی (زن و مرد) نبوده است. انسان در بعد معنوی، چه زن و چه مرد، آنگاه می تواند شخصیت حقوقی خویش را به عرصه ظهور برساند که خود به عنوان مدافع و نیروی کارآمد، با حضور فعال خویش در عرصه های گوناگون بتواند به حقوق حقه خویش در جهت برقراری عدالت اجتماعی برسد و از امنیت حقوقی، قضایی، سیاسی برخوردار شود که با بهره گیری از اسلام و مبارزه با باورهای غلط به جایگاه حقیقی خود برسد. ارائه راهکارهای مناسب برای گسترش حضور و مشارکت زنان در عرصه های مختلف می تواند در ترسیم فردای بهتر مؤثر باشد. ارتقای سطح آگاهیهای فرهنگی و اجتماعی زنان در این امر مهم نقش بسزایی دارد.

تحقیقی تحت عنوان «بازخوانی نقش سیاسی و اجتماعی زنان در اندیشه فقهی و سیره

عملی امام خمینی (ره)» توسط اشرف بروجردی عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی در

سال ۱۳۷۸ انجام شده، در این تحقیق آمده که:

(نقش سیاسی و اجتماعی زنان به دلیل اختلاف نظر فقها در صلاحیت شرعی زن برای فعالیت

سیاسی و به طور کلی، عدم صلاحیت زن برای ریاست حکومت بیش از دیگر مباحث مربوط به زنان.

نیازمند تبیین و قاعده‌مند شدن است، بویژه از منظر امام خمینی (ره) که ترسیم‌کننده حکومت اسلامی

است.

تعریف مشارکت اسلامی آن است که انسان به تنهایی و مستقل و یا با دیگران و به عنوان عضوی

از یک گروه و تجمع، برای بدست گرفتن حکومت از طریق تشکیل قوای مقننه، مجریه و... تلاش کند

و برای اشغال یکی از مناصب بالای حکومت و در بخش اجرایی یا قانونگذاری و... بکوشد).

ابعاد مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان با استفاده از دیدگاه‌های امام خمینی

(ره):

الف - دخالت در مقدرات اساسی مملکت

زنان می‌توانند به شناسایی نیازهای جامعه و امت بپردازد و اعمال دولت و سیاستمداران و می‌وا

ضعشان را در پرتو آشنایی با نیازهای جامعه و امت زیر نظر بگیرند و در موافقت، مخالفت و با انتقاد

به آن عملکردها ابراز عقیده نمایند و برای برآوردن نیازها و حل مشکلات تلاش کنند.

تأکید حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر اینکه:

«زن باید در مقدرات مملکت دخالت کند و...».

بیانگر تداوم و استوار حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی است.

ب) دخالت در سیاست و حکومت

امام خمینی (ره) در یک جمله موضوع فوق را چنین بیان می فرماید:

«خانمها حق دارند در سیاست دخالت کنند، تکلیفشان اینست.»

ج) دخالت در بازسازی نظام (مشارکت اجتماعی)

امام خمینی (ره) می فرماید: «زنان همچون مردان در ساختن جامعه اسلامی فردا شرکت دارند.»

مهم، شناخت نوع این مشارکت، مرز آن، عرصه‌های مورد نیاز مشارکت زنان، و... بر اساس احکام

فقهی است. انطباق این بیانات با احکام مزبور و تبیین مسئله نیاز امروز به احکام فقهی زنان جهت

مشارکت در فعالیتهای اجتماعی است.

د) دخالت در هدایت جامعه

ایشان می فرمایند:

«سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است و... با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می کند،

زن مبدأ همه سعادتها باید باشد...»

آنچه که در این بخش باید به آن پرداخته شود، عرصه‌هایی است که زنان می توانند در آن

هدایتگر باشند و این عرصه‌ها اعم است از سیاست، اقتصاد، فرهنگ و جامعه.

احمد آکوچکیان در تحقیقی که با عنوان «با فاطمه (س) و زینب (س)» زن در دو عرصه

سلوک انسانی و مدیریت اجتماعی در سال ۱۳۷۲ انجام داده و تحقیق فوق بر آن است تا با کاوش و

تحقیق در سنت و آموزه‌های دو بانوی بزرگ اسلام فاطمه (س) و زینب (س)، تصویر منسجم و

الگوی مطلوب در دو وجه فردی و اجتماعی ارائه دهد:

فاطمه زهرا (س) از موضع ولایت و عصمت، برگزیده خداوند، از علل آفرینش، مشترک با پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) در اهتدا و اقتدا و تمسک، شریک در ولایت با آنان و... است و بدینسان او و دیدگاه زندگانش قرآن مجسم است».

زن الگو، انسان الگو:

«(بازهرا (س) و زینب (س) آنچه تصویر می شود زن الگوست، انسانی که در خویش یک جریان تربیتی را گذرانده، و در عرصه جامعه و مناسبات اجتماعی به عزم جامعه سازی حاضر شده و دست اندکار راهبری مردم خویش و عصر و تاریخ امروز و فردای خویش است، آن میزان که می تواند و از او ساخته است. در این جریان تربیتی به ساختاری از شخصیت انسانی و شخصیت اجتماعی و به جایگاه خاص اجتماعی می رسد. جایگاهی با ویژگیها و اوصاف و مختصات انسانی - اجتماعی در قالب نظام و الگویی از بایدها و نبایدها و هنجارها و اصول و مسائل ارزشی و روشی معین. این نظام شکل گرفته همان الگو و اسوه پیشنهادی دین برای زن در هر دوره‌ای و زمانی است. اسوه یاد شده در هر عصر و برهه و مکانی، با توجه به مقتضیات و شرایط محیطی و بیرونی و ساخت و رفتار اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای، در قالب الگوی عملی برای زن در آن عصر و نسل است.

فاطمه (س) تحت تعلیم آموزه‌های وحی و به خصوص پدر است وجود صدیقه طاهره (س) فراگیر سه جریان وجودی، یا سه جریان تربیتی عظیم است که شناخت او در گرو شناخت این سه جریان عظیم تربیتی و وجودی اوست.

۱ - جریان وجودی زهرا (س) به عنوان صاحب ولایت کبری و اسرار باطنیه:

نفس زهرا (س) مرضیه (س) از سرادق ربوبی برای هدایت آدمیان به این جهان آمده است.

۲ - جریان وجود او به عنوان تربیت یافته آموزه‌ها و پرورش خانواده پیامبر.

۳- جریان وجودی او به عنوان انسان راهبر :

فاطمه یک زن است، خود یک هادی، یک شاهد و یک امام است... و در مناسبات اجتماعی در

جامعه خویش، یک راهبر و مدیر الگو است.

زینب (س) در عرصه دو جریان و دو شناخت:

در وجود زینب (س) دو جریان عظیم تربیتی شکل گرفته است و شناخت او در گرو شناخت این

دو فرآیند درونی عظیم است:

۱- جریان وجودی او به عنوان تربیت یافته تعالم الهی

۲- جریان وجودی او به عنوان انسان هادی :

زینب (س)، حضور در عرصه مناسبات اجتماعی و راهبری آنها را با مادر، آموخته است. بنابراین

زن الگو معیار است برای شناخت دین و آئین و سازندگی و مدیریت.

صدیقه طاهره (س) تجلی همه آئین اسلام در دو وجهه فردی و اجتماعی است. زینب (س) نیز

همگام او حضوری انسان ساز و جامعه ساز دارد.

خلاصه:

در این فصل با ارائه تعاریفی از مدیریت، سازمان، تصمیم‌گیری، برنامه ریزی، سازماندهی و کنترل و نظارت، اظهار نظرهای اندیشمندان و کارشناسان و نیز دیدگاه اسلام و قرآن بطور محدود تشریح گردید و با مرور در متون علمی مختلف، جایگاه و اهمیت مدیریت در اسلام بررسی شده است. و همچنین نگرش کلی اسلام درباره زن ارائه گردید و با طرح نمونه‌هایی از مشارکت اجتماعی زنان در صدر اسلام نقش این قشر عظیم در جامعه و اداره امور بیان شد.

فصل سوم

روش تحقیق

مقدمه

در این بخش به روش تحقیقی که استفاده شده، اشاره گردیده و ابزار و روش جمع آوری اطلاعات

توضیح داده شده است.

روش تحقیق:

روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی است که هدف محقق از انجام این نوع پژوهش

توصیف عینی و واقعی و منظم خصوصیات یک موقعیت، یک موضوع است. (نراقی و نادری، ۱۳۷۵،

ص ۳۵).

و از انواع کتابخانه‌ای که محقق، تحقیق خود را از راه مطالعه مآخذ و منابع مختلف انجام می دهد.

(دهنوی، ۱۳۷۶، ص ۲۲).

در این نوع تحقیقات، هدف محقق، توصیف پدیده یا موردی و یا توصیف واقعیات. عقاید و

نظرهاست. (طالقانی، ۱۳۷۰، ص ۱۴۳)

ابزار و روش جمع آوری اطلاعات:

ابزاری که در این تحقیق جمع آوری اطلاعات بکار گرفته شده، فیش برداری از قرآن کریم کتب

معتبر و مقالات و... بوده و روش جمع آوری اطلاعات بشرح ذیل بوده است:

(الف) مراجعه به اهل فن و متخصصان موضوع

(ب) مراجعه به مراکز تحقیقات

(ج) مراجعه به کتاب‌شناسی کتابها

(د) مراجعه به منابع کتابخانه‌ها

(ه) مراجعه به مقالات

(ط) مراجعه به مجلات

(ذ) فیش برداری، عنوان‌گذاری، پیرایش و کدگذاری فیشها که پس از طرح و قبل از تدوین تحقیق فیشها

به ترتیب موجود در طرح، با توجه به اولویت و اهمیت مطالب تنظیم گردید، تحت نظر اهل فن و

متخصصان موضوع پیش نویس تهیه، بازخوانی، اصلاح و بازنویسی گردید.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

پس از استخراج و جمع آوری اطلاعات پیرامون تعابیر و عناصر اصلی مفهوم مدیریت و سازمان و

نقش و مسئولیت زنان در ابعاد مختلف مدیریت از کتب و مقالات، با استناد از آیات و رهنمودهای

فرهنگ قرآن، اسلام و الگوهای الهی ادله و شواهد نقش زنان مورد بررسی قرار گرفت تا مطابق با

نمونه‌های برگرفته شده از قرآن و سنت و بالاخص از سیره آموزه‌های زندگانی فاطمه زهرا (س) و

زینت (س) نتایج را بر پایه آیات کریمه قرآنی و سیره اسلامی استوار و نقش مدیریتی زنان در

عرصه‌های تصمیم‌گیری، برنامه ریزی، سازماندهی و نظارت و کنترل واضح و آشکار شود.

خلاصه:

در این فصل مشخص گردید که تحقیق فوق به روش توصیفی و از نوع کتابخانه‌ای تهیه شده و اطلاعات مربوطه از طریق فیش برداری از قرآن کریم، کتب اسلامی، کتابهای معتبر و مقالات بدست آمده است.

فصل چهارم

یافته‌های تحقیق

روشهای هدایت در قرآن

به طور کلی روش قرآن در ارتباط با هدایت انسان سه گونه است:

۱- روش مخاطب وجدانی و تحریک عواطف و احساسات و برانگیختن فطرت

۲- روش مخاطب عقلایی و دستور به تفکر و تعقل

۳- روش الگویی و معرفی اسوه

از آنجا که ارائه الگو یکی از مؤثرترین و موفقترین روشها تربیتی است قرآن مجید بعنوان

آخرین کتاب آسمانی بر اساس روش الگویی انسانها را متنبه می سازد تا فطرت آنها را بیدار کند.

قرآن کریم که کتاب کاملترین ادیان الهی است، در آیات بسیاری به معرفی اسوهها و الگوها

پرداخته است که در یک تقسیم بندی کلی می توان گفت قرآن مجید برای حفظ کرامتهای انسانی در

کنار معرفی الگوهای سالم و مثبت، از الگوها ناسالم و منفی نیز سخن گفته و سرانجام کار آنها را بیان

کرده و پیروانش را از پیروی الگوهای ناسالم برحذر می دارد. و در نگرش به مدیریت و رهبری به

معنای عام کلمه در قرآن هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد، بعبارت دیگر، مردان و زنان بطور مشترک مخاطبین قرآن می باشند.

ولی با اینحال قرآن علاوه بر معرفی ویژگیها و شئون زن از ابعاد مختلف انسانی و اسلامی الگوها و مصادیقی را ارائه می نماید و در مناسبات فردی و اجتماعی از شخصیت زن دفاع می کند. یکی از زنانی که قرآن بعنوان نمونه‌ای شایسته مطرح می سازد و توسط وی استعدادهای لا یتناهی زن را معرفی می نماید، چهره «بلقیس، ملکه سبا» را معرفی می کند و از اندیشمندی و واقع بینی و توان وی در گسترده ترین سطح مدیریتی جامعه و اقتدار او قبل از عاطفی و احساسی بودن، سخن به میان می آورد و قدرت تصمیم گیری و نفوذ کلام و مطاع بودن او امر و تدبیر و قدرت او را در هدایت و سازماندهی ارکان جامعه به سوی یکتاپرستی می ستاید. قبل از تجزیه و تحلیل این الگو بایستی وجود فردی و اجتماعی زن از دیدگاه قرآن بررسی گردد.

شناخت نقش زنان در عرصه فردی (انسانی) و اجتماعی از دیدگاه قرآن:

برای ارائه و تبیین دیدگاه اسلام در مورد نقش مدیریتی زنان ابتدا باید دید نگرش اسلام در مورد وجه فردی و یا انسانی و اجتماعی وی چیست؟ که مآخذ از قرآن و سنت است. زیرا پس از شناخت نقش زنان در دو عرصه فوق می توان به روش تحلیلی و با استفاده از آیات قرآن کریم به دیدگاهها اسلام در زمینه نقش مدیریتی زنان نیز دست یافت، قرآن مجید شئون زن را بسیار متعالی مطرح می کند و همانطور که در ندهای آسمانی فرقی بین زن و مرد نمی گذارد و از تعابیر «ناس»، «انسان»، «من»، «یا ایها الذین ای مردان» و یا «ایها الذین آمنوا - ای اهل ایمان» استفاده می نماید و انسان را چه زن و چه مرد، به پذیرش مسئولیتهای زندگی فرامی خواند که در متن حرکت متعهدانه وی و جامعه پیش می آید و انسانیت انسان (مرد یا زن) را ملغی نکرده و او را از پذیرش مسئولیتهای اجتماعی معاف ندانست.

قرآن و مکتب حیاتبخش اسلام در عرصه های فردی و اجتماعی به زن و مرد به یک چشم می نگرد. همانطور که برای هر دو زن و مرد هویتی مستقل قائل است برای هر دو حقوق فردی و اجتماعی مشترک قرار داده که ذیلاً به ذکر مواردی از آنها پرداخته می شود.

الف - نقش زن در عرصه فردی و انسانی:

شخصیت انسانی و فردی و سیر و سلوک و زندگانی زنان مورد توجه قرار می گیرد و ابعاد معرفتی، عقیدتی، اخلاقی و رفتاری قابل بررسی و تحلیل می باشد و با این شناخت در عرصه انسانی و الهی زنان درمی یابند چه نقش و رسالت و جایگاهی در برابر خود و در رابطه با مبدأ هستی و جهان و جامعه بر عهده دارد و از رهگذر این آگاهی و معرفت راه و روش حضور اجتماعی، انسان ساز، جامعه ساز را می یابد و بکار می بندد.

قرآن برای شناخت هویت و شخصیت فردی و انسانی زن در آیات مختلف آگاهیهای قابل فهم را ارائه می نماید که به تعدادی از آنها اشاره می شود:

۱- تساوی در خلقت:

خاستگاه آفرینش مشترک انسانها از زن و مرد که با تعبیر «نفس واحده» عنوان می گردد.

«یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده».

«ای مردم بترسید پروردگار خود را که آفریدتان از یکتا». (سوره نساء، آیه ۱)

۲- هدف مشترک در آفرینش:

بندگی و زندگی همه جانبه برای خداوند و شکوفایی همه جانبه امکانات و قابلیتهای انسانی برای سعادت و رستگاری انسان است.

«وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون».

«و نیافریدیم جن و انسان مگر تا پرستش کنند». (سوره ذاریات، آیه ۵۶)

۳- امکانات و مقدرات و استعدادها ی یکسان برای سلوک و تقرب به سوی خدا که

رشد و کمال منسجم شخصیت انسانی:

۱-۳- امکانات شناختی:

«... و جعل لكم السمع والابصار والافئدة لعلکم تشکرون».

«... و نهاد برای شما گوش و دیدگان و دلها را شاید سپاس گذارید».

(سوره نحل، آیه ۷۸)

«فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرة الله التي فطر الناس علیها».

«پس راست کن روی خود را بسوی دین یکتاپرست آفرینش خدایی که سرشت

مردم را بر آن».

(سوره روم، آیه ۳۰)

۳-۳- تعادل و هماهنگی امکانات:

«یا ایها الناس ما عزک بزبک الکریم الذی خلقک و سواک فعدلک».

«ای انسان چه چیزت فریفت به پروردگار کریمت، آنکه آفریدت پس راست

آوردن پس معتدلت ساخت».

(سوره انفطار، آیات ۶ و ۷)

۴-۳- وجدان انسانی یکسان:

«و نفس ما سواها و فالهمها فجورها و تقواها».

«و به روان و آنچه راست آوردش، پس سر و شش فرستاد گنهکاریش و پرهیزش».

(سوره شمس، آیات ۷ و ۸)

۵-۳- مقدرات و امکانات هستی‌شناسی تکوینی و تشریحی:

«سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض».

«و رام کرد برای شما آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است».

(سوره جاثیه، آیه ۱۳)

«و اذکروا نعمة الله علیکم اذ جعل فیکم انبیاء».

«یاد آرید نعمت خدا را بر شما هنگامیکه قرار داد بر شما پیغمبرانی».

(سوره مائده، آیه ۲۰)

«کتاب انزلناه الیک التخرج الناس من الظلمات الی النور».

«کتابیست فرستادیمش تا برون آری مردم را از تاریکیها بسوی روشنایی».

(سوره ابراهیم، آیه ۱)

۴ - امانتداری و رسالت یکسان و مشترک :

۴-۱- رسالت انسانی مشترک

۴-۲- احساس تعهد و ابلاغ و اجرای عالی تراز وضع موجود

۴-۳- کوشش برای یافتن آن حقایق از منبع آموزشهای بیکرانة الهی به انسانهایی که نیازمند آن

حقایق می باشند.

۴-۴- عنایت آرمانی مانند عبودیت

«ایاک نعبد و ایاک نستعین، اهدنا الصراط المستقیم».

«خدایا ترا پرستش کنیم و از تو یاری خواهیم ما را به راه راست هدایت فرما».

(سوره فاتحه الكتاب، آیه ۵ و ۶)

۴-۵- فراخوانی به جاذبیت‌های الهی:

«و لقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت».

«و همانا برانگیختیم در هر ملتی پیامبری را که پرستش خدا را و دوری‌گزینند از

(سوره نحل، آیه ۳۶)

سرکشی».

۴-۶- آزادی در مسیر کمال

۴-۷- پرهیز از سلطه و انذار

«و ما نرسل المرسلین الا مبشرین و مندرین».

«و نمی فرستیم فرستادگان را جز نوید دهندگان و ترسانندگان».

(سوره انعام، آیه ۴۸)

«فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفة لیفتقنوها فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا

الیهم لعلهم یحذرون».

«پس چنانچه از هر گروهی از ایشان دسته‌ای تا دانش جوئید در دین و تا بترسانند قوم خویش را هنگامیکه که باز گردند بسوی آنان شاید بترسند ایشان».

(سوره توبه، آیه ۱۲۲)

۵- اصول و معیارهای مشترک رشد و تربیت انسانی یکسان:

۱-۵- خود آگاهی

۲-۵- بینش و معرفت و شعور:

«وَالَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ».

«و آنانرا که داده شدند دانش را پایه هایی».

(سوره مجادله، آیه ۱۱)

۳-۵- ایمان، یقین و باور دینی

۴-۵- کردار و رفتار صالح و پسندیده

«من عمل صالحاً من ذكراً و انثى و مؤمن فلنحیینه حیاة طیبة».

«آنکه کردار شایسته کند از مرد و زن در حالیکه مؤمن باشد هر آینه زنده داریمش

(سوره نحل، آیه ۹۷)

زندگانی پاکیزه».

۵-۵- تقوا و پرهیزگاری:

«ان اکرمکم عندالله اتقیکم».

«همانا گرامیترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست».

(سوره حجرات، آیه ۱۳)

۵-۶- پذیرش تعالیم خدا و رسول و زندگی با آن:

«یا ایها الذین امنوا استجبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم».

«ای آنانکه ایمان آوردید اجابت کنید خدا و رسولش را گاهی که خوانندتان

بدانچه زنده تان سازد» (سوره انفال، آیه ۲۴)

۵-۷- پایداری در دین و ایمان و باورهای دینی با هجرت و جهاد:

«... ائی لا اضیع عمل منکم من ذکرٍ او انئی بعضکم من بعض فالذین

هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اودوا فی سبیلی و قاتلوا و قتلوا الا کفرن عنهم

سیناتهم ولا دخلنهم جنات تجری من تحتها الانهار ثواباً من عند الله عنده حسن

الثواب».

«... که تباه نمائیم کار هر عمل کننده‌ای را از شما مرد یا زن بعضیتان از بعضی

پس آنان که هجرت کردند و برون رانده شدند از خانه‌های خویش و آزاد شدند در

راه من و جنگ کردند و کشته شدند همانا بزدایم از ایشان زشتیهای ایشان را و در

آرمشان باغهایی که روان است از زیر آنها جویها پاداشی از نزد خدا و خدا نزد
اوست پادش نیکو».
(سوره آل عمران، آیه ۱۹۵)

همانطور که بر طبق آیات قرآن نشان داده شد زن در عرصه فردی و انسانی به شناختی اعتقادی و
روحی و رفتاری درست بر اساس تعالیم دین می رسد. خود را خداوند را و جامعه را و راه کمال و
سعادت را، پیامبران و رهبران الهی را می شناسد و زندگانی و حیات خویش را بر باورها و اعتقادات و
اخلاق و ایمان الهی شکل می بخشد.

۶- زن و مقام خلافت (خلیفة الله بودن):

در اسلام بالاترین مقامی که برای انسان فرض می شود مقام خلافت یعنی خلیفة الله بودن می باشد.

«انی جاعل فی الارض خلیفه».

(سوره بقره، آیه ۳۰)

خلیفة الله بودن ناظر به مقام و شخصیت انسانیت انسان است، بدون ذکر استثناء زن و یا مرد،

بنابراین آنکه مسجود فرشتگان و خلیفه پروردگار روی زمین است مقام آدمیت است.

ب - نقش زن در عرصه اجتماعی:

به نقش، جایگاه، رسالت اجتماعی و مسئولیت اجتماعی زن و جریان تغییر و تحول در ابعاد ساخته‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و نیز رفتار اجتماعی جامعه و سلوک اجتماعی وی توجه می‌شود و ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی وجود بهم پیوسته و قابل بررسی در برآورد وجه زن در عرصه اجتماعی می‌باشد.

در زمینه‌های اجتماعی مردان و زنان بطور مشترک مخاطبین قرآن می‌باشند که به تعدادی از آیات اشاره می‌گردد.

۱ - تساوی در برخورداری از مزایای اجتماعی:

۱-۱ - زنان و مردان در بهره‌وری از مواهب طبیعی و مزایای اجتماعی هیچ تفاوتی با هم ندارند.

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا، ان

اکرمکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر».

«ای مردم ما همه شما را از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرق

مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا گرامیترین شما نزد خداوند،

پرهیزگارترین شماست و...» (سوره حجرات، آیه ۱۳)

۱-۲ - قرآن پاداش عمل نیک را در ^{سور} زن و مرد یکسان می‌داند:

«ومن یعمل من الصالحات من ذکر او انثی و هو مؤمن فاولئک یدخلون الجنة و

لا یظلمون بقیراً».

«و هر که از زن و مرد، کاری شایسته انجام دهد، در حالی مؤمن است، پس آنها

داخل بهشت می شوند و به قدر بقیری (پرده هسته خرما) به او ستم نخواهد شد».

(سوره نساء، آیه ۱۲۴)

۳-۱- زن و مرد هر دو مالک دسترنج خود هستند:

«للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن».

«مردان را آنچه که کسب کرده‌اند بهره‌ای و زنان را نیز از آنچه کسب نموده‌اند

(سوره نساء، آیه ۳۲)

بهره‌ای است».

۴-۱- خداوند ارزش کار زن و مرد را محترم و یکسان می داند:

«لا اذیبع عمل عامل منکم من ذکرٍ او ائتی».

«تباه ننمایم کار هر عمل کننده‌ای را از شما مرد یا زن»

(سوره آل عمران، آیه ۱۹۵)

۲- مشارکت زن در نظارت و کنترل جامعه:

۳- مشارکت زن در هدایت و ارشاد جامعه:

«و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و تقيمون الصلوة و يؤتون الزكوة و يطيعون الله و رسوله اولئك سير حمهم الله ان الله عزيز حكيم».

«مران و زنان مؤمن بعض ایشان اولياء بعضی دیگرند، امر به معروف می کنند و نهی از منکر می کنند، نماز به پای می دارند، زکات می دهند و فرمانبردار خدا و رسول اویند ایشانند که خدا بزودی رحمتشان می کند که خدا مقتدری شایسته کار است».

(سوره توبه، آیه ۷۱)

(مردان و زنان مؤمن بعضی از ایشان امور بعضی دیگر را عهده دار می شوند و به همین جهت است که هر کدام دیگری را به کار خیر و امری دارد و از اعمال زشت جلوگیری می نماید و این قانون امر به معروف و نهی از منکر سیستم نظارتی و کنترل فراگیری است که دلیل ولایت داشتن ایشان در امور یکدیگر است).

آیه مبارکه فوق نقش سرپرستی متقابل زنان و مردان بر یکدیگر را از ضروریات هر جامعه اسلامی عنوان فرموده است بنا بر این آیه کریمه زنان مؤمن مانند مردان مؤمن می توانند در ارشاد و هدایت جامعه و اصلاح فرهنگ جامعه نقش داشته باشند و پیشاهنگ مردم باشند.

۴ - مشارکت زنان در مواضع سیاسی و اجتماعی با حفظ هویت مستقل زن:

در صدر اسلام پس از فتح مکه تنها مردان با پیامبر گرامی خدا (ص) بیعت می کردند و عده‌ای

گمان نمودند که بیعت مردان، بیعت زنان را هم کفایت می کند، تا اینکه آیه مبارکه زیر نازل گردید:

«یا ایها النبی اذا جاءک المؤمنات یتابعنک علی ان لا یشرکن باللّه شیئاً و...».

«ای پیامبر، چون زنان مؤمن نزد تو آیند تا با تو بیعت کنند که دیگر هرگز به خدا

شرک نورزند و...».

(سوره ممتحنه، آیه ۱۱)

بنابراین با توجه به آیه فوق نشان داده می شود:

۱- ۴- در نظام حقوقی آراء و نظرات زنان در تصمیم گیریهای مشترک اجتماعی مورد احترام و همچون نظرات مردان لازم الاجرا است.

۲- ۴- در این آیه زن به عنوان یک عنصر سیاسی و اجتماعی در کنار مرد مطرح است و تمام شروط عنوان شده، برای مردان در بیعت با پیامبر خدا (ص) در مورد زنان هم اعلام شده است.

۵- مشارکت زن در جامعه اسلامی بعنوان یک مؤمن:

۱- ۵- مخاطب وحی

۲- ۵- مخاطب تکالیف دینی

۳- ۵- مسئول در قبال سرنوشت جامعه

۴- ۵- در مسئولیتها و تعهدات

«التائبون، العابدون، الحامدون، الصائمون، الراكعون، الساجدون، الامرون

بالمعروف و الناهون عن المنکر و الحافظون لحدود اللّٰه و بشر المؤمنین».

«آنها توبه کنندگان، عبادت کنندگان، سپاس گویان، روزه داران، سجده کنندگان، و

آمران به معروف و نهی کنندگان از منکر و حافظان حدود الهی هستند و به مؤمنین

خداوند متعال پس از ذکر این صفات می فرماید: «و بشر المؤمنین» یعنی ای پیامبر! مرد زن را به این

ویژگیها بشارت ده، پس هر کس دارای این صفات باشد مؤمن است، خواه زن باشد و خواه مرد.

بنابراین با توجه به آیات قرآن مجید، نگرش اسلام به زن و مرد از دیدگاهی واحد است و هر دو را

یکسان به سازندگی و رهبری در عرصه‌های حیات انسانی و اجتماعی فرامی خواند.

بررسی و تشریح دیدگاه قرآن در مورد نقش مدیریتی زنان در سازمانها:

الف - ملکه سبا:

قرآن کریم با طرح سرگذشت ملکه سبا، زمامداری و رهبری وی در پذیرش حق و دعوت ملت تحت امر خود را به دین توحید و یکتاپرستی، او را بعنوان الگویی نیکو برای جامعه اسلامی در تصدی زنان در مدیریتها و مسئولیتهای مختلف اجتماعی اشعار می دهد.

و ما جهت دستیابی به نکات بارز نقش مدیریتی زنان از دیدگاه قرآن به ماجرای عبرت انگیز ملکه سبا توسط آیات شریفه قرآنی می پردازیم:

بلقیس ملکه سبا معاصر با حضرت سلیمان (ع) پیامبر خدا بود. حضرت سلیمان (ع) که در فلسطین بسر می برد بر جن و انس حکومت داشت و زیان حیوانات را می دانست. و از طرفی در یمن زنی با اقتدار و مقامی بالا بر ملت سبا حکومت می راند و دارای قدرتی عظیم و روزافزون بود قرآن می فرماید: هدهدی برای حضرت سلیمان سلام الله علیه خبر آورد که:

«... فقال احطت عالم تحط به و جئتک من سبا نبأ یقین».

«انی وجدت امرة تملکهم و اوتیت من کل شیء ولها عرش عظیم».

«من چیزی که تو از آن در جهان آگاه نشده ای، خبر یافتم و از ملک سبا بطور یقین

برای تو خبری مهم آورده ام، همانا در آن سرزمین زنی را یافتم که بر مردم آن

کشور حکومت می راند و به او هرگونه امور دنیوی عطاء شده بود و بعلاوه تخت

با عظمتی داشت».

(سوره نمل، آیات ۲۲ و ۲۳)

«منظور از «کل شیء» در این آیه چیزی است که سلطنت عظیم محتاج برداشتن آنهاست. مانند:

حزم، تصمیم راسخ، سطوت، شوکت، آب و خاک بسیار، خزینه سرشار، ارتشی نیرومند و رعیتی

فرمانبردار». (علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۳۰، ص ۲۷۲)

هدهد ادامه می دهد:

«وجدتها و قومها يسجدون للشمس من دون الله و زين لهم الشيطان اعمالهم

فصدّهم عن السبيل فهم لا يهتدون. الا يسجدو الله الذي يخرج الخبء في

السموات و الارض و يعلم ما تحفون و ما تعلنون».

«آن زن را با تمام رعیتش یافتم که خدا را از یاد برده و به جای خدا، خورشید را

می پرستیدند و شیطان، اعمال زشت آنان را در نظرشان زیبا جلوه داده و آنها را

بکلی از یاد خدا بازداشته تا هرگز سوی حق نیابند و خدای را که هر پنهان را به

عرصه ظهور آورده و بر نهان و آشکار خلق آگاه است، پرستش نکنند».

(سوره نمل، آیات ۲۴ و ۲۵)

در آیات فوق بلقیس را در جایگاهی همانند جایگاه فراعنه از نظر حشمت و جلال و جاه می بینیم

که علاوه بر شرک ورزی از انگیزه‌های دنیاطلبی و خدا ستیزی فرعون چیزی کم نداشت ولی آیا

برخورد او با حق مانند زمامداران قدرتمند تاریخ چون فرعون و نمرود بود؟

بعد از استماع گزارش جریان ملکه سبا، حضرت سلیمان (ع) برای به اثبات رسیدن خبر هدهد به او

فرمود:

«سنتظر اصدقت ام كنت من الكاذبين. اذهب هذا فالقه اليهم ثم تول عنهم فانظر ماذا يرجعون».

«بايد تحقيق كنيم تا صدق وكذب سخن تو را دريابم. اينك نامه مرا به جانب آنان ببر و بازگرد تا بنگري كه چه پاسخ مي دهند».

(سوره نمل، آيات ۲۷ و ۲۸)

چون هدهد نامه را كنار بلقيس نهاد، ملكه به شگفت آمد و به دقت نامه را مطالعه كرد و آن را بسيار مهم يافت. رويه رجال دربارش كرد و گفت:

«يا ايها الملؤا اتى القى التى كتاب كريم».

«آته من سليمان و آته بسم الله الرحمن الرحيم».

«كه نامه از طرف سليمان و عنوانش بنام خداوند بخشنده مهربانست».

(سوره نمل، آيات ۲۹ و ۳۰)

در مقايسه با خسرو پرويز پادشاه ايران بعلت تقدم نام مبارك پيامبر اكرم (ص) بر نام خود بدون تدبير و در نهايت گستاخى، نامه حضرت محمد (ص) را پاره مي كند. زنى زمامدار چون بلقيس با تدبير و نهايت ادب با نامه سليمان (ع) برخورد مي نمايد.

سپس محتوای نامه را می خواند که:

«الا تعلوا على و اتونى مسلمين».

«بر من برتری مجوئید از فرمانم سرپیچی نکنید و تسلیم امر من شوید».

(سوره نمل، آیه ۳۱)

«سلیمان (ع) پیامبری بوده که کارش دعوت به اسلام بود و علاوه بر مقام رسالت پادشاه نیز بود و هنگامی که مردم را بطور مطلق دعوت به انقیاد کند قهراً دعوت به پذیرش دین توحیدی نیز کرده است».

(علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۳۰، ص ۲۷۹)

آنگاه ملکه سبا با درباریان و رجال کشورش به مشورت پرداخته و گفت:

«یا ایها الملوا افتونی فی امری ما کنت قاطعةً امرأً حتی تشهدون».

«ای رجال کشور، شما به کار من رأی دهید که من تاکنون بی حضور شما در هیچ

(سوره نمل، آیه ۳۲)

کاری تصمیم نگرفته‌ام».

رجال کشورش به او گفتند:

«نحن اولوا قوّة و اولوا بأسٍ شدید و الامر الیک فانظری ماذا تأمرین».

«از نظر سیاسی و نظامی قدرتمندیم و کمبودی نداریم دارای نیروی کامل هستیم

اما تصمیم‌گیری نهایی با شماست به صلح یا جنگ فرمان دهی».

(سوره نمل، آیه ۳۳)

«ان الملوك اذا دخلوا قريةً افسدوها وجعلوا اعزة اهلها اذلةً وكذلك يفعلون».

«پادشاهان چون به دیاری حمله آورند آن کشور را ویران سازند و عزیزترین

اشخاص امت را ذلیل ترین افراد کنند و رسم سیاستشان براین کار خواهد بود».

(سوره نمل، آیه ۳۴)

«و اتی مرسلهً بهدیةً فناظرهً بم یرجع المرسلون».

«حال هدیه ای برای آنان می فرستیم تا ببینیم فرستادگانم از جانب سلیمان (ع)

(سوره نمل، آیه ۳۵)

چه پاسخ باز آورند».

حضرت سلیمان (ع) چون هدایا را دید گفت:

«اتمءونن بمال فما اتینی اللہ خیر مما اتیکم بل انتم بهدیتکم تفرحون».

«شما می خواهید که مرا به مال دنیا مدد کنید؟ آنچه خدا به من داد بسیار بهتر از

هدیه شماست بلکه شما به این هدایا شادمان شدید».

«ارجع الیهم فلنا تیتهم بجنودٍ لا قبل لهم بها ولنخرجنهم منها اذلةً وهم صاغرون».

«ای فرستاده بلیس! با هدایا به سوی ایشان برگرد که من لشکری بیشمار بر آنها

می‌فرستم که هرگز در مقابل آن مقاومت نتواند کرد و آنها را با خواری و ذلت از آن سرزمین بیرون می‌کنم».

آنگاه سلیمان (ع) گفت:

«قال يا ايها الملؤا ايتكم يا تيني بعرشها قبل ان يا توني مسلمين».

«کدامیک تخت بلقیس را پیش از آنکه تسلیم امر من شود خواهد آورد».

«قال عفريت من الجنّ انا اتيك به قبل ان تقوم من مقامك و اتي عليه لقويّ

امين».

«عفريت از جنیان گفت: من آن را به حضورت آورم پیش از آنکه از جای برخیزی

و منم هر آینه بر آن قادر و امین».

«قال الّذي عنده علمٌ من الكتاب انا اتيك به قبل ان يرتد اليك طرفك فلما راه

مستقراً عنده قال هذا من فضل ربّي ليلوني ءاشكر ام اكفرو من شكر فاتما يشكر

لنفسه و من كفر فانّ ربّي غنيّ كريم».

آنکه به کتاب الهی دانا بود گفت: «من پیش از آنکه چشم بر هم زنی، تخت بلقیس

را به اینجا آورم و همان لحظه حاضر نمود، وقتیکه سلیمان تخت را نزد خود

مشاهده کرد گفت: این توانایی از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش نماید که نعمتش را شکر می کنم یا کفران می ورزم و هر که شکر کند جز این نیست که برای خویشتن سپاسگذارد و آنکه کفران کند همانا خدای من بی نیاز و کریم است».

(سوره نمل، آیات ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰)

آنگاه سلیمان (ع) گفت:

«نکروا لها عرشها تنظرا تهتدی ام تکون من الذین لا یهدون».

«تخت بلقیس را بر او ناشناس گردانید تا بنگریم که وی تخت خود را خواهد شناخت». یعنی تا آزموده گردد که آیا وی زنی است حقیقت بین و لایق پیشوایی است.

(سوره نمل، آیه ۴۱)

«فلما جاءت قیل اهکذا عرشک قالت کأته هو و اوتینا العلم من قبلها و کنا مسلمین».

«هنگامی که بلقیس آمد، از او پرسیدند که عرش تو چنین است و ما پیش از این می دانستیم و تسلیم امر سلیمان بودیم».

(سوره نمل، آیه ۴۲)

«قیل لها ادخلی الصرح راته حسبه لجة و کشف عن ساقیها قال انه صرح ممرد

من قواریر قالت ربّ ائنی ظلمت نفسی و اسلمت مع سلیمان لله رب العالمین».

«بلقیس را گفتند که اینک در ساحت این قصر داخل شو. بلقیس وقتی قصر را

مشاهده کرد که لجه آبی است و جامه از ساق پا برگرفت و گفت این قصری است

از آبنگینه صاف (بلور)».

به حیرت آمد و گفت:

«پروردگارا! سخت بر نفس خویش ستم کردم و اینک با پیامبر تو، سلیمان، تسلیم فرمان پروردگار

عالمیان گردیدم».

قرآن با ذکر داستان ملکه سبا نقش وی را در بالاترین نقطه هرم مدیریتی و رهبری جامعه نشان

می دهد که با صلاح اندیشی و تدبیر، برخورد منطقی و سیاستی مدبرانه رسالت حضرت سلیمان (ع) را

پذیرفت و ملت خویش را موحد نمود. قرآن کریم با ارائه ماجرای ملکه سبا یکی از روشهای تربیتی را

بکار می برد تا زمامداران و مدیران جوامع را به حقایقی جلب کند که ارزش و اهمیت اخلاقی و

اجتماعی بسیار دارد.

سنت تفسیر قرآن کریم است و سیره و زندگی حضرت فاطمه زهرا (س)، سنتی که مفسر قرآن می باشد.

حضرت فاطمه زهرا (س) و دختر بزرگوارشان، حضرت زینب (س) از موضع ولایت و مدیریت های الهی و انسانی، رهبران امت و جامعه اند و بعنوان حافظان اسرار امامت، امین رهبران الهی بودند که نشان دهنده عظمت والای این زنان مدبر و مدیر است، این بانوان بزرگ اسلام و سرور زنان عالم، علاوه بر رهبری استعدادها و قابلیت های انسانی به سوی کمال الهی، الگوهای باعظمت و ارزنده ای هستند که زنان را با رسالتها و مسئولیت هایشان خصوصاً در عرصه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، چگونگی رهبری و نقش مدیریتی شان در صحنه های مختلف جامعه آشنا می سازند.

ب - بانوی بزرگ اسلام فاطمه زهرا (س):

از نمونه های برتر قرآنی در مباحثی که می توان با استفاده از آن نقش مدیریتی زنان را ارائه نمود، رهبری عالی و پیامبرگونه حضرت فاطمه زهرا (س) بعنوان یک شخصیت الهی و عظیم الشأن است که کوثر پری های قرآن کریم، تمام هویت انسانی، کرامت و حیثیت انسانی زن، رسالت انسان سازی و جامعه سازی همچون انبیاء را داراست.

از غمبارترین قسمتهای تاریخ اسلام، حوادث پس از رحلت خاتم الانبیاء است، نتیجه اش انزوا و خانه نشینی لایق ترین رهبر و امام یعنی وصی رسول خدا «ص»، حضرت علی (ع) است که در اثر دسیسه ها و توطئه های دشمنان کینه توز اسلام، سرنوشت جامعه اسلامی دگرگون می گردد.

آنچه این بانوی بزرگ اسلام را از زنان همعصر خود متمایز می نماید، اهمیت داشتن مسائل اجتماعی و امور مسلمانان نزد او بود بطوریکه بعد از رحلت خاتم الانبیاء (ص)، حضرت فاطمه (س) می دید نه تنها ستمی به او و خاندان ولایت رفته بلکه بسیاری از احکام اسلامی و جامعه مسلمانان

گرفتار انحراف بزرگ و شدید از تعالیم قرآن و سنت رسول خدا (ص) می گردد و ارزشهای جاهلیت مجدداً در حال احیاء شدن است و دشمنان مقدمه‌های انزوای حضرت علی (ع) و محاصره اقتصادی یاران علی (ع) را فراهم کرده‌اند و حضرت فاطمه زهر (س) با فهم عمیق از وضعیت جامعه اسلامی در راه دفاع از حریم امامت و حقوق حقه خود و خاندان بزرگوارش به پاخاست و مسیر انحرافی پس از رحلت رسول خدا (ص) را به مسلمانان یادآوری نمود و بدعتها را افشاء و افکار عمومی را بیدار می نماید.

این فراز از سرگذشت حضرت زهرا (س) نشان می دهد که وی شخصیتی والا، رهبر و آغازگر جنبشی عظیم و رهایی بخش در حمایت از حق و مظلومان تاریخ بود.

اگر در جنبه فعالیتها و مدیریت اجتماعی فاطمه زهرا (س) وارد شویم او را در نقش یک رهبر الهی، یک سیاستمدار، مدبر، اندیشمند، آگاه، سخنور و نمونه متعالی یک مدیر به تجزیه و تحلیل حوادث و فتنه‌های بعد از پیامبر (ص) می پردازد و با رهبری منحصر به فرد جامعه اسلامی را متوجه توطئه‌های دشمنان، انحراف بزرگ در رهبری مسلمین، و بدعت گذاریها می نماید.

فاطمه زهرا (س) بر مسند رهبری:

۱- دخت والا گوهر رسول خدا (ص) به رهبری جامعه شایسته است زیرا جامع جمیع فضائل می باشد و مطالعه در زندگانی او انسان را قادر می سازد که زندگی را بر اساس واقعیتها و حقایق زنده بنا کند.

برخی از فضائل او را در قرآن بر شمیریم:

۱- فاطمه (س) در دیدگاه قرآن:

از جمله آیات در مدح منزلت فاطمه (س) می توان به مورد زیر اشاره نمود:

«مثل نوره كمشكوة فيها مصباح المصباح فى زجاجة الزجاجه كانها كوكب درى».

«مثل نور خدا چون چراغدانى است كه در آن چراغى باشد آن چراغ درون شیشه‌اى و آن شیشه چون ستاره‌اى درخشنده است» (سوره نور، آیه ۳۵)

تفسیر: تأویل «مشكوة و كوكب درى»: حضرت فاطمه (س) است. (تفسیر على بن ابراهيم، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۰۴)

۲- ۱- آیه تطهیر: (طهارت ذاتی و عصمت فاطمه (س):

«أنا یرید الله لیذهب عنكم رجس اهل بیت و یطهرکم تطهیراً».

«خداوند اراده کرد تا هرگونه رجس و پلیدی را از اهل بیت بردارد و به پاکی ابدی پاکیزه گرداند» (سوره احزاب، آیه ۳۳).

این امتیاز و خصوصیت ذاتی فقط به این خانواده که فاطمه (س) محور اصلی آن است. ۳- ۱- آیه مودت: (محبت و پیروی از فاطمه اجر رسالت محمد (ص)):

«... قل لا اسئلكم علیه اجراً الا المودة فى القربى».

«پیامبر بگواز شما اجرى در مقابل رسالتى نمى طلبم مگر دوستى صاحبان

۴-۱ - سوره کوثر: (فاطمه خیر کثیر):

سوره مبارکه کوثر در شأن حضرت فاطمه (س) نازل شده:

«انا اعطیناک الکوثر و...».

«ما به تو خیر کثیر دادیم و این عطاء بی پایان، پیوسته، رو به افزایش است».

۵-۱ - در هنگام مباحثه پیامبر با مسیحیان نجران، چون آیه ۶۱ سوره مبارکه

آل عمران نازل شد از زنان، پیامبر فاطمه را مورد خطاب قرار می دهد تا در مباحثه شرکت بنماید.

۶-۱ - سوره مبارکه دهر (انسان) آیات ۸ و ۹ که در مقام ایثار فاطمه (س) نازل گردید.

۲- دیدگاه ائمه معصومین (ع):

۱-۲-

«و لقد کانت علیها السلام مفروضه الطاعة علی جمیع من خلق الله من الجن و

الانس و الطیر و الوحش و الانبیاء و الملائكة».

«اطاعت از فاطمه (س) بر تمامی آفریدگان خدا از جن و آدمیان و پرندگان و

جانوران و پیامبران و فرشتگان واجب است».

۲-۲- مرحوم مجلسی در ضمن روایتی از امام صادق (ع) نقل می کند: «فاطمه صدیقه کبراست. محور حرکت‌های انسان‌های گذشته، معرفت و شناخت حضرت فاطمه (س) بوده است». (بحار، ج ۴۳، ص ۱۰۵).

سیدهاشم بحرانی روایت دیگری از امام صادق (ع) نقل می کند: «نبوت هیچ پیامبری تکمیل نشد مگر به فضیلت آن حضرت اقرار نموده و محبت او را دارا باشد». (مدینه المعاجز، به نقل: فاطمة الزهرا بهجة قلب المصطفی، ص ۸۶).

امام صادق (ع) در ذیل آیه شریفه «انا انزلنا فی لیلة القدر» می فرماید: منظور از «لیله» فاطمه و منظور از «قدر» خداوند است.

«فمن عرف فاطمه حق معرفتها فقد ادرك لیلة القدر».

«هر کس به شناخت حقیقی فاطمه (س) دست یابد، بی گمان شب قدر را درک کرده است».

(بحار، ج ۴۳، ص ۶۵).

۲-۳- حضرت بقیه الله (عج) فاطمه (س) را الگو و اسوه خود در رفتار و برنامه حکومتی خود می داند و می فرماید:

«و فی ابنة رسول الله صلى الله عليه وآله لی اسوة حسنة»

«دختر پیامبر (ص) (فاطمه) برای من الگوی نمونه‌ای است».

(بحار، ج ۵۳، ص ۱۸).

۳- بانوئی فداکار، مجاهد و رهبری شایسته برای مبارزین راه خدا و طریق حق است.

۴- بعد از رحلت خاتم الانبیاء (ص) کینه توزان و مناقین به جنب و جوش افتادند تا نه تنها از اسلام بلکه از خاندان پیامبر هم انتقام بگیرند. و فاطمه زهرا (س) یادگار گرامی رسول خدا (ص) در مرکز حمله دشمنان قرار داشت. توطئه‌های دشمنان بر ضد اسلام و نگرانی فاطمه (س) از آینده مسلمین و حفظ میراث قرآن حضرت را بر آن داشت که با تمامی توان نهضت دفاع از ولایت و امامت را آغاز و رهبری نماید و با ظلم مبارزه کند.

۵- حضرت فاطمه زهرا (س) نظم اجتماعی و وحدت را فلسفه امامت می‌داند و می‌فرماید:

«فجعل الله اطاعتنا نظاماً للملّة وامامتنا اماناً للفرقة».

«خداوند اطاعت و پیروی ما را سبب برقراری نظم و امامت و رهبری ما را عامل

وحدت و در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است».

۶- حضرت فاطمه (س) ضمن دفاع از ولایت و امامت علی (ع) چندین وظیفه را برای رهبران جامعه اسلامی ذکر می‌کند. «علی (ع) در سعادت‌تمند کردن این مردم و جلب خیر به سوی آنان چه آشکار و پنهان می‌کوشید. وجودش برای این امت جز خیر و صلاح برای مردم نمی‌خواست. اگر علی (ع) رهبر بود از اموال مردم برای خود بهره‌های فراوانی نمی‌برد و از بیت‌المال برای خود هیچ استفاده‌ای نمی‌کرد و مال اندوزی نمی‌نمود و از دنیا برای خود چیزی بر نمی‌داشت مگر به اندازه‌ای که برای خود و عائله‌اش رفیع عطش و جوع نماید.»

در ادامه خطبه به آیه ۳۵ سوره یونس استفاده می‌کند که خدا می‌فرماید:

«قل هل من شركائكم من يهدى الى الحق قل الله يهدى الى الحق الحق ان يتبع

امن لا يهدى الا ان يهدى فما لكم كيف تحكمون».

«آیا آن کس که خود راه یافته است و مردم را به سوی حق راهنمایی می کند

شایسته آن است که مورد تبعیت قرار گیرد یا آن کس که خود راه یافته نیست و ابتدا

باید هدایت شود. پس شما را چه می شود که اینگونه حکم می کنید؟» و این

طریق ولایت علی (ع) را اثبات می کند.

ج - حضرت زینب

نمونه دیگری از نقش مدیریتی زنان در جامعه اسلامی، زندگی پیام رسان فرهنگ عاشورا حضرت

زینب (س) است که بعد از شهادت امام حسین (ع) و یاران فداکارش رهبری انقلاب خونین کربلا را

بعهد گرفت و شایستگی ذاتی، مدیریت، شجاعت او موجب شد که امام حسین (ع) وی را نه تنها در

رهبری نهضت توانا ببیند بلکه نیابت امامت را تا بهبودی کامل امام سجاد (ع) به او بسپارد و اسرار

امامت و ولایت را به ایشان منتقل نماید.

بررسی و تشریح دیدگاه اسلام در مورد نقش زنان در تصمیم‌گیری سازمانها:

الف) تصمیم‌گیری بلقیس بعد از مشورت و عدم استبداد رأی

۱-

یا ایها الملوا افتونی...

ای رجال کشور شما به کار من رأی دهید که من تاکنون بی حضور شما به هیچ کار

تصمیم نگرفته‌ام.
(آیه ۳۲، سوره نحل)

با توجه به این آیه مبارکه مشخص می‌شود که مشاوره با صاحب‌نظران و احتراز از استبداد رأی نشانه رشد شخصیتی بلقیس است (ترجمه المیزان ج ۳۰، ص ۲۸۰) و بعنوان یک مدیر به آثار و نتایج ثمربخش مشورت آگاهی داشته و از روی شناخت جلوی خودمحوری و غرور طبع که معمولاً در فضای قدرتمند رهبری رشد پیدا می‌کنند را می‌گیرد وی در اوج جبروت سلطنت، فضائل اخلاقی خویش را محفوظ می‌داشت و در مسند مدیریت و در مقابل شوکت فراوان دچار خودباختگی نگشت و با مشورت استبداد و عجب را از بین می‌برد.

۲- بلقیس بعنوان یک رهبر و در برخورد با نامه حضرت سلیمان (ع) بلافاصله اقدام به

تصمیم‌گیری ننمود بلکه مسئله را از زوایای گوناگون بررسی نمود و نکات مثبت و منفی را در نظر گرفت و از ویژگیهای بارز یک مدیر در تمام تصمیم‌گیریهای مدیریت این بررسیها و سبک و سنگین کردنها وجود دارد تا نقطه نظرهای سازنده و مفید و ابعاد گوناگون ضروریان مشخص گردد.

۳- یکی از منابع قدرتمند مدیریت موفق شور و مشورت با دیگران است که از طریق مشورت

کردن و آگاهی و اطلاع یافتن از نظرات دیگران بالاخص اهل فن، مدیر پخته تصمیم‌گیری می‌نماید.

زیرا مدیریت در بعد تصمیم‌گیری قاطع است و مدیری که زود تصمیم گرفته و بلافاصله از آن عدول و

بازگشت نماید. بطور مسلم دارای روحیه ضعیف تصمیم‌گیری است در صورتیکه مدیریت در تصمیم‌گیری باید از قاطعیت برخوردار باشد. بنابراین مدیر برای اینکه از تزلزل و دورویی برکنار باشد و باید همه مسائل را با دیگران دقیقاً بررسی و ارزیابی نماید و ^{بجای} پس از تبادل نظر امکان‌پذیر نیست.

در این داستان هم سران قوم ملکه سبابه خردمندی و ^{رست} دوست‌اندیشی و تدبیر و قاطعیت او اطمینان داشتند و برای همین بود که او را صاحب اختیار خود قرار داده و تصمیم‌گیری نهایی را بعهده وی گذاردند.

۴- بلقیس مشاوره و نظرخواهی را در اداره امور سرزمین سبا بکار می‌گرفته است و این نشان دهنده اشرف و آگاهی این زن نسبت به تأثیر همکاری و هماهنگی رجالش در اداره امور حکومتش بود که خردمندی و توانایی فکری وی در بهره‌گیری از افکار و نظریات دیگران در جهت بهبود مدیریت سرزمینش کاملاً مشخص می‌گردد.

ب) نقش بانوی بزرگ اسلام فاطمه (س) در تصمیم‌گیری

دخت‌گرامی رسول خدا (ص) برای رسیدن به اهداف الهی اش بهترین راهها را انتخاب و با قاطعیت تصمیم می‌گیرد، در برابر خلیفه، حرکت‌های مشکوک و خطوط انحرافی ایستادگی و مبارزه‌ای منطقی، بر پایه استدلال‌های قرآنی و سنت و سیره پیامبر اکرم (ص) پی‌ریزی می‌نماید:

۱- فاطمه زهرا (س) با نحوه زندگی و انتخابها و تصمیم‌های خود جهان بینی الهی را نشان می‌دهد و بزرگترین سازمان اجتماعی یعنی امت و رهبرانش را شیوه‌های صحیح خط مشی‌گذاری می‌آموزند.

۲- در صدر اسلام مسجد مرکز اجتماع مسلمانان بود. بسیاری از مسائل اجتماعی در این مکان حل و فصل می‌گردید و مسائل سیاسی و اجتماعی مورد مشورت و تصمیم‌گیری قرار می‌گرفت. فاطمه (س)

تضمین گرفت برای دادخواهی به مسجد برود تا یاران رسول خدا(ص) را برای احقاق حق دعوت به یاری نماید و با شمشیر سخن بذر بیداری را در افکار عمومی جامعه بیفشاند و بدعتها و توطئه‌ها را افشاء نماید.

۳- در آن هنگام که بی خبران و قدرت مداران علی (ع) را منزوی نمودند فاطمه زهرا (س) تصمیم می‌گیرد به همراه علی (ع) یک نوع مبارزه منفی را شروع نمایند و در خانه بنشینند و با ابوبکر بیعت نکنند و به این ترتیب اصل خلافت را به زیر سؤال برده و به همه، این انحراف در رهبری امت اسلامی را هشدار دهند. بطوریکه خلیفه برای گرفتن بیعت به زور متوسل شد.

۴- حضرت فاطمه (س) با رایزنیهای متعدد با انصار و مهاجرین به مقابله با جریانهای انحرافی حاکم در جامعه ایستاد.

ج) نقش زینب کبری (س) در تصمیم‌گیری

۱- موضعگیری و اخذ تصمیم بحا و مناسب مدیر باعث حیات و استمرار نهضت‌ها در جوامع می‌گردد حضرت زینب (س) در اوج دشواری اوضاع و در عین اینکه از سوگ شهیدان در درون می‌سوخت تصمیم می‌گیرد با انتخاب شیوه مبارزه و موضع‌گیریهای مدبرانه اقتدار خاندان هاشمی را به نمایش گذارد و فرهنگ عاشورا آنگونه که شایسته شأن و مقام خاندان نبوت و امامت است تبیین نماید و بدین ترتیب سهمی ارزنده در پیشبرد اهداف قیام امام حسین (ع) را به عهده گرفت.

۲- زینب کبری با آگاهی کاملی که از اوضاع شهر شام داشت و منش یزید را بدتر از عبیدالله می‌دانست تصمیم به پیکاری سخت و کوبنده علیه حکومت یزید می‌گیرد. و در مجلسی که یزید با حضور شخصیتها، بزرگان و سفرای خارجی مقیم شام، اشراف و رجال کشوری ترتیب داده بود زینب (س) ضمن بیان سابقه سیاسی خاندان بنی امیه به روشنگری حضار علیه یزید و اطرافیان پرداخت و

فرمود: ... اکنون که شما متوجه شدید کینه یزید با ما بخاطر پیامبر (ص) و قرآن کریم است از چه رو با
خوش زبانی ثناگوی کفر بی نشان شده‌اید؟ یزید با ترس، افکار شما را می‌آزماید، وقتی شما را بی
تفاوت و تسلیم می‌بیند منکر دین شما می‌شود.

بررسی و تشریح دیدگاه اسلام در مورد نقش زنان در برنامه ریزی در سازمانها:

الف) برنامه ریزی در مدیریت و رهبری بلقیس

۱- در مسایل حکومتی ویژگیهای زمامدار و شیوه‌ها و اهداف رهبری در رابطه با اداره امور حکومت و ملت هر کدام دارای ضوابطی می‌باشند که در چارچوبهای ویژه برنامه‌ای تنظیم می‌گردند و در آیات فوق نهایت تدبیر، عاقبت اندیشی، کاردانی، استدلال منطقی، سیاست محکم و دلایل متقن را در برنامه های مدیریتی ملکه سبا می‌توان دید که برنامه‌ای بر اساس منطق و سیاستی مدبرانه ارائه می‌داد تا راه حل‌های مسالمت آمیز و تعیین مقدار نیرو و قدرت رویارویی مورد بررسی قرار گیرد و حقانیت رسالت حضرت سلیمان (ع) به تحقیق و بررسی کامل سپرده شود و سپس اقدامات بعدی بر اساس هدف تعیین شده انجام گیرد.

۲- همین پناه بردن ملکه سبا به شورا بیانگر مدیریت وی بر اساس ضوابطی خاص است که او را وادار می‌دارد پیش از مشورت با بزرگان قوم خود اقدام به تصمیم‌گیری نکند اگرچه چنین قدرتی را داشت زیرا ممکن بود در اثر درنگ و تأمل فرصتها را از دست بدهد که یکی از مهمترین فرصتها رستگاری و کمال ملت تحت امرش بود و از طرفی شتابزدگی و عدم برنامه ریزی در برخورد با نامه و دعوت سلیمان ممکن است کار غیر اصولی و غیر منطقی انجام داده و دچار عواقب آن از قبیل خونریزی در مملکت گردد.

۳- بلقیس با مشورت با رجال خود از آنها درخواست کرد که با تحلیل خود در موضع‌گیری آینده و ارائه راه و روشی و تهیه برنامه در جهت آنچه که باید انجام گیرد با وی همکاری داشته باشند.

۴- این بانو با ارسال هدایایی به حضرت سلیمان، او را می‌آزماید تا ببیند هدف سلیمان انگیزه و گسترش و قدرتهای دنیایی است یا راه انبیاء را طی کرده است بنابراین راه حل بلقیس براساس

محاسبات دقیق ارائه شده بود که تدارک بهترین برنامه جهت تحقیق درباره شخصیت و اهداف سلیمان است.

۵- بنا به امر بلقیس ابتدا می‌بایست اطلاعاتی پیرامون اهداف دعوت سلیمان جمع آوری گردد و ارزیابی شود که آیا هدف سلیمان سیطره استبدادگرانه‌ای است که دخالت و آزادی دیگران را در انتخاب راه نفی و همانند دیگر سلاطین زندگی مردم را ذلت بار می‌کند که در این حالت مسایلی از قبیل حل مسالمت آمیز و تعیین مقدار نیرو و قدرت رویارویی بایستی مورد بررسی قرار گیرد. یا اینکه واقعاً سلیمان رسول خداست و می‌توان با او درباره موضوعاتی که بدان دعوت می‌کند وارد گفتگو شد که همه اینها بیانگر مدیریت حکیمانه و همه جانبه این بانوست که راههای کمال را شناسایی می‌کند تا ملت تحت امرش را به سوی رستگاری رهنمون سازد.

۶- بلقیس بعنوان یک مدیر و زمامدار با ارائه برنامه‌ای دقیق حضرت سلیمان را در اشاعة توحید و از بین بردن فساد و بت پرستی یاری نمود و دین او را در سرزمین سبا بدون خونریزی و جنگ فراگیر ساخت. زیرا در آیه ۳۳ سوره نحل از ظاهر کلام درباریان که سخت خود را با «نحن اولوا قوه» آغاز کردند برمی‌آید که آنان میل داشتند بجنگند.

قالوا نحن اولوا قوه و اولوا باس شدید و الامر الیک فانظری ماذا تأمرین

رجال گفتند: «از نظر سیاسی و نظامی قدرتمندیم و کمبودی نداریم دارای نیروی

کافی هستیم اما تصمیم‌گیری نهایی با شماست»

و چون ملکه هم آنرا فهمیده بود لذا نخست جنگ را مذمت کرد و آخر رأی خود را ارائه داد.

بنابراین بلقیس گفت:

«ان الملوك اذا خلوا قرية افسدوها....»

پادشاهان چون به دیاری حمله کنند آن کشور را ویران سازند و عزیزترین

اشخاص ملت را ذلیل‌ترین افراد کنند و... (سوره نمل، آیه ۳۴)

با اشاره به این آیه ملکه اول گفت که جنگ عاقبتی ندارد بجز غلبه یکی از دو طرف و شکست طرف دیگر یعنی فساد قریه‌ها و شهرها و ذلت عزیزان آن و چون چنین است نباید بدون تحقیق اقدام به جنگ کرد باید نیروی خود را با نیروی دشمن بسنجیم اگر تاب نیروی او را نداشتیم تا آنجا که راهی به صلح و سلم داریم اقدام به جنگ نکنیم مگر اینکه راه منحصر به جنگ باشد و نظر من این است که هدیه‌ای برای او بفرستیم تا بینیم فرستادگان ما چه خبری می‌آورند. آنوقت تصمیم به یکی از دو طرف جنگ یا صلح را عزم می‌کنیم (ترجمه المیزان ج ۳، ص ۲۸۱).

ب) برنامه ریزی زهرا (س) در هدایت و راهبری جامعه اسلامی

حضرت زهرا (س) مبارزه خود را با حضوری انسان ساز و جامعه ساز در عرصه هدایت است و مدیریت اجتماعی بطور سنجیده و حساب شده در چندین مرحله به اجرا درآورد و با تمامی توان و مدبرانه به مبارزه برای احقاق حقوق اهل بیت (س) پرداخت و آنجا که موقعیت اقتضاء می‌کرد خود مستقیماً به حمایت و دفاع از مقام والای امامت و ولایت پرداخت و با بینش عمیق و آگاهانه می‌دید که چه خسارتهای سنگینی بعزت انحراف رهبری متوجه اسلام و امت مسلمان خواهد شد و بزودی بار دیگر سنتهای جاهلیت در زیر نقاب جذاب مذهب ظاهر می‌گردد و کینه توزان احزاب دشمن و

منافقین جهت انتقام گرفتن از اسلام و خاندان پیامبر (ص)، عناصر فاسدی چون بنی امیه بنام اسلام بر مردم تحمیل و حاکم می‌نمایند.

برنامه و مراحل مبارزاتی حضرت زهرا(س) عبارت بود از:

۱- روشنگری و بیداری جامعه اسلامی

۱-۱- حضرت طی خطبه‌ها و سخنان حماسی در حضور مسلمانان به تشریح اوضاع و نقشه‌های

هیأت حاکمه پرداخت و مردم را از فتنه‌ها و عواقب آن آگاه نمود و بسیاری از حقایق را افشاء نمود.

حضرت فاطمه(س) در خطبه‌ای که در مسجد النبی ایراد فرمود وضعیت پس از رحلت پیامبر

(ص) و وضعیت آینده را تحلیل می‌نماید.

«... هنوز دو روزی از مرگ پیغمبر بزرگتان نگذشته و سوز سینه ما خاموش نگشته، آنچه نبایست،

کردید و آنچه از آتان نبود بردید و بدعتی بزرگ پدید آوردید... راهی جز راه حق می‌پوئید!... مگر به

روش جاهلیت می‌گرائید؟ راه گمراهی می‌پیمائید. برای مردم با ایمان چه داوری بهتر از خدای جهان...»

این چه بدعتی است در دین می‌گذارید؟ مگر از داور روز رستاخیز خبر ندارید؟ اما جز این نیست که به تن

آسائی خو کرده‌اید و به سایه امن و خوشی رخت برده‌اید از دین خسته‌اید... آنچه می‌کنید خدا می‌بیند و

ستمکار بزودی داند که در کجا نشیند. من پایان کار را نگرانم، چون پدرم شما را از عذاب خدا می‌ترسانم.

به انتظار بنشینید تا میوه درختی را که کشتید بچینید و کیفر کاری را که کردید ببینید.»

۲- ۱- به همراه حسنین (ع) به خانه‌های رجال مدینه می‌رفت و ضمن یادآوری سفارشات

پیامبر(ص) آنان را دعوت به یاری می‌کردند.

۳- ۱- سخنان حضرت در بستر شهادت با زنان مهاجر و انصار که در مورد خلافت و امامت بود و

هرچه گفت از علی (ع) و مصالح مسلمین گفت:

«... به خدا سوگند اگر پای در میان می‌نهادند و علی (ع) را در کاری که پیغمبر به او نهاد می‌گذارند

آسان آسان، آنان را به راه راست می‌برد و حق هر یک را بدو می‌سپرد... تشنگان عدالت از چشمهٔ معدلت او

سیر و زبونان در پناه صولت او دلیر می‌گشتند اگر چنین می‌کردند، درهای رحمت از زمین و آسمان بر روی

آنان می‌گشودند اما نکردند... به خدایان سوگند، آنچه نباید بکنند کردند. نواها ساز و فتنه‌ها آغاز شد. حال

لختی بیابند! تا به خود آیند و ببینند چه آشوبی برخیزد و چه خونها بریزد!... دریغا که دیدهٔ حقیقت بین

ندارید بر ما هم توانی نیست که داشتن حق را ناخوش می‌دارید».

۲- ماجرای دادخواهی از غضب فدک:

جهت طلب حقوق خود و اهل بیت (س) از خمس، فدک و غیره اصرار ورزید و در برابر خلیفه

مقاومت نمود و بدینوسیله با مطرح نمودن فدک و بی‌اعتناء به جوسازی خاصی که در این زمینه شده

بود اساس حکومت را زیر سؤال برد.

۳- وصیت او به علی (ع) در مورد تدفین و تشییع پنهانی پیکر مطهرش که نشان دهنده ناخشنودی

حضرت فاطمه (س) از حکومت بود.

۴- حضرت زهرا (س) دو خط اصلی انحراف در جامعه اسلامی ۱- بدعت و انحراف در مسیر دین

۲- کمرنگ شدن فرهنگ دینی در جامعه و مسلمانان را تجزیه و تحلیل می‌کند و عوامل ایجاد آنها و

آثار و نتایج آن را ترسیم می‌نماید. و نقطه هر دو را توطئه سقیفه معرفی می‌کند.

ج) برنامه ریزی زینت (س) در رهبری و هدایت نهضت امام حسین (ع)

حضرت زینب (س) با برنامه سنجیده و حساب شده نهضت عاشورا به سوی هدفی که پیش بینی

کرده بود هدایت نمود. شجاعت و برخورد قاطعانه و حساب شده با دشمن و اتخاذ موضعی‌های

مناسب و منطقی در همه مراحل اسارت، نقشه‌ها را برملا ساخت و دشمن را از رسیدن به هدف خود ناامید کرد و با حرکت سنجیده و منطقی گویا، اذهان ناآگاهان از کوفه تا مدینه را علیه بنی امیه و یزید بشوراند.

بطور اجمال به مراحل از آن اشاره می‌گردد:

۱- ایراد خطبه در اجتماع مردم کوفه

عبیدا... بن زیاد به منظور نشان دادن پیروزی یزید بن معاویه و ترساندن مخالفان حکومت مردم کوفه را به تماشای اسراء و عبرت گرفتن از سرنوشت آنان به بازار کوفه فرا خواند و مردم کوفه سرمست از پیروزی یزد با هلهله از اسیران استقبال نمودند. زینب (س) با مشاهده این صحنه با ایراد خطبه خود را معرفی نمود و با ملامت مردم کوفه مردم را از عمق جنایت آنان و حقانیت حرکت امام حسین (ع) شهر کوفه را منقلب نمود بگونه‌ای که مردم کوفه دریافتند با حمایت از عبیدا... در جنگ علیه امام حسین (ع) ننگ ابدی را در تاریخ نصیب خود کرده‌اند و آگاهی مردم از عمق این جنایت پایه های حکومت بنی امیه را لرزاند و مردم را آماده انتقام نمود.

۲- حضور در مجلس یزید بن معاویه

زینب کبری (س) در شهر شام مرکز ثقل قدرت یزید در بارگاه حکومت بنی امیه با ایراد سخنرانی و بیانی رساء دستگاه یزید را چنان بر پرتگاه سقوط قرار داد که یزید جز آنکه به عظمت و جلال دختر علی (ع) اعتراف کند چاره‌ای نداشت و حضار مجلس پسر معاویه را شکست خورده و زینب (س) را پیروز میدان لقب دادند و همین امر سبب شد که یزید گناه خون شهداء عاشورا را به گردن عبیدا... بن زیاد بیندازد.

۳- حضور در مجالس عزاداری مدینه و افشاء اعمال ننگین بنی امیه و مردان کوفه

۴- حضرت زینب (س) در خطبه‌ها به فلسفه قیام و مبارزه علیه ظلم و ستم می‌پردازد و علاوه بر

اینکه یک جریان تاریخی را می‌شکافد و حقایق را از میان تحریفها بیرون می‌کشد، نهضت خونبار امام

حسین(ع) را تبیین و تشریح می‌کند و پس از آن مردم را که سر در لاک نکبت خویش فرو برده‌اند

سرزنش می‌نماید و در تمامی این سخنرانیها وجه و جنبه «هدایت و رهبری» جامعه از تمام مسائل

دیگر آشکارتر می‌سازد.

بررسی و تشریح دیدگاه اسلام در مورد نقش زنان در سازماندهی سازمانها

الف) نقش ملکه سبا در سازماندهی ارکان زمامداری

۱- قرآن کریم زن مدیر و رهبر را در چهره ملکه سبا می‌شناساند. زنی که توان سازماندهی در ارکان دفاعی و نظامی را داشت بطوریکه ارتشی نیرومند و رعیتی فرمانبردار او را در حاکمیت و زمامداریش یاری می‌نمودند. به گونه‌ای که می‌توانست بر مردانی که در او شخصیتی خردمند، مدیر، مدبر و توانمند بر اداره امور مملکت سراغ داشتند حکم براند.

همانطوریکه بررسی آیه ۲۳ سوره نمل نشان دهنده مطلب فوق است

«انی وجدت امرأة تملکهم و اوتیت من کل شیء و لها عرش عظیم»

«من زنی را در سرزمین سبا یافتم که بر مردم آن کشور پادشاهی دارد و به او

هرگونه امور دنیوی عطا شده، علاوه بر اینها تخت با عظمتی دارد».

منظور از «کل شیء» در این آیه چیزی است که سلطنت عظیم محتاج به داشتن آنهاست مانند

حزم، عزم، تصمیم راسخ، سطوت، شوکت، آب و خاک بسیار، هزینه سرشار، ارتشی نیرومند و رعیتی

فرمانبردار. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳۰، ص ۲۷۲)

۲- بیشترین نقش مدیریت هماهنگ ساختن نیروها و کارگزاران و جهت دادن به آنهاست. مدیر

موفق با سازماندهی تشکیلات و سازمان خود را به تلاش و حرکت وادار می‌کند. در اینجا نقش حساس

مدیریت ایجاد وحدت بین همه نیروهای موجود می‌باشد.

بدیهی است هم آهنگی همه نیروها و سازماندهی آنان و حرکت دادن همه آنها بسوی هدف

مشخص کار دشواری است که بلقینس با کاردانی قادر به انجام آن بود. بطوریکه با بیعت با رسول خدا، رجال و ملت تحت امر خویش را به این بیعت الهی دعوت نمود و بیعت وی بمنزله بیعت و ایمان یک ملت با رسول خدا بود.

۳- ملکه سبا مدیر و رهبری بود که از یکطرف رجال قومش به توانمندی زمامداریش اطمینان داشتند و از طرفی او هم به سران و نیروهای خود اعتماد کامل را داشت و با اعتماد قولی و عملی به آنان میدان فعالیت می داد و در پرتو این اعتماد امکان بسیج و سازمان نیروهای تحت امر خود را بدست می آورد.

ب) نقش فاطمه زهرا(س) و سازماندهی

۱- یکی از عوامل سلامت، حیات و تکامل خانواده‌ها تعیین حدود مسئولیت افراد خانواده با سازماندهی صحیح آن می باشد. حضرت زهرا(س) که هدایت و سازندگی را از خانواده آغاز کرد چرا که هسته مرکزی جامعه از خانواده تشکیل می گردد و مبدئی برای انسان سازی و جامعه سازی است و حضرت در جهت تحقق این هدف با تقسیم کار بین خود، همسرگرمایش و خدمتکارش گامی در جهت این سازندگی برمی دارد.

۲- حضرت فاطمه زهرا(س) با تمام توان برای یاری سپاه اسلام در کنار پدر و همسر و الامقامش تلاش می نمود و به جبهه می رفت تا پشت خطوط مقدم عملیات ضمن تشویق زنان امدادگر و آشنا ساختن آنان به وظایف خطیرشان، به مداوای محارم خویش بالاخص پدر گرانقدر و همسرگرمایش می پرداخت.

۳- پس از رحلت نبی اکرم (ص) و رویداد شورای سقیفه که باعث انحراف عمیق در رهبری امت اسلامی گردید عاملان حکومت بخاطر بغض و حسدی که نسبت به خاندان نبوت و ولایت داشتند فذک

راکه رسول خدا پس از نازل شدن آیه «وَأْتِ حَقَّهُ» (آیه ۲۶، سوره اسرا) بدستور حق تعالی به دخترش بخشیده بود از اختیار حضرت زهرا(س) در آوردند تا خاندان رسالت را تحت فشار قرار دهند.

حضرت فاطمه زهرا (س) در ماجرای دادخواهی از غضب فدک و بمنظور هدایت و رهبری امت دفاع از اسلام و ولایت را در چند مرحله سازمان می‌دهد:

۱-۳- بحث و استدلال:

ایشان دوبار با خلیفه مجادله و بحث نمود و از نظر برهان و منطق پیروز شد بطوریکه عکس العمل عمر را در پی داشت و با توسط به زور به مقابله با حضرت پرداختند.

۲-۳- استيضاح خلیفه:

حضرت فاطمه (س) در مسجد النبی با تشریح اوضاع و نقشه های هیأت حاکمه نقش و وظایف جامعه اسلامی را بالاخص گروه انصار و اصحاب را در این روشنگری بیان می‌فرماید و مردم را از ماهیت و اهداف دشمنان اسلام و منافقین آگاه می‌سازد. بطوریکه بعد از سخنان حضرت افکار عمومی به نفع بانوی اسلام رأی داد و ابوبکر با سخنان عوام فریبانه علیه دخت نبی اکرم (ص) جوسازی نمود. غضب فدک جزئی از حرکت سیاسی و اقتصادی خلیفه علیه علی(ع) محسوب می‌شد بنابراین پیش از آنکه بحث اقتصادی باشد، بحث سیاسی و اجتماعی است و حضرت زهرا(س) هم با آگاهی کامل از توطئه های دشمنان اسلام و حریم ولایت پس از غضب فدک توسط خلیفه به دو دلیل در باز پرس گرفتن فدک پافشاری می‌کرد:

الف) مانع تحریف سفارش رسول خدا (ص) شود، زیرا وقتی هیئت حاکمه در حق دخت پیامبر الهی چنین جسارتی پیدا کند روشن است با بقیه وصایای او چه خواهند کرد.

ب) نخواست تسلیم ظلم و باج خواهی خلیفه شود. زیرا غضب فدک جزئی از حرکت سیاسی و اقتصادی خلیفه علیه جانشینی و امامت علی (ع) بود.

۳-۳- ایشان طی سخنان آتشین خود در مسجد النبی و در حضور جمعیت مسلمانان برای اینکه امت اسلامی به نقش و وظایف خود آگاهی یابند خطوط اصلی هدایت جامعه را ترسیم و همچنین مراحل دفاع از مقام ولایت و امامت را سازماندهی می نماید.

این خطبه بر هفت محور دور می زند که هر کدام هدف روشنی را مشخص می کند و مسئولیتها و اختیارات اقشار مختلف جامعه را بیان می نماید:

۱- تحلیل فشرده و عمیقی پیرامون مسئله توحید و صفات پروردگار و اسماء حسنی و هدف آفرینش است.

«... و اشهد ان لا اله الا الله و حده لا شریک له...»

«... من شهادت می دهم که معبودی جز خداوند یکتا نیست... موجودات جهان هستی را آفرید... بی آنکه به آفرینش آنها نیاز داشته باشد... جز اینکه می خواست حکمتش را از این طریق آشکار سازد. مردم را به اطاعتش هشدار دهد قدرت بی پایان خود را از این دریچه نشان دهد خلائق را به عبودیت خود رهنمون گردد...»

۲- مقام والای پیامبر (ص) مسئولیتها و ویژگیها و اهداف او مورد بحث قرار گرفته.

«... و اشهد ان ابی محمداً عبده و رسوله،... و قام فی الناس بالهدایة و انقذهم من

الغواية و بصرهم من العمایة...»

«وگواهی می‌دهم که پدرم محمد (ص) بنده و فرستاده اوست،... او برای هدایت مردم قیام کرد، و آنها را از گمراهی و غوایت رهائی بخشید، و چشمهایشان را بینا ساخت و به آئین محکم و پابرجای اسلام رهنمون گشت و آنها را به راه راست دعوت فرمود...»

۳- از اهمیت قرآن مجید و عمق تعلیمات اسلام، فلسفه و اسرار احکام، پند و اندرزهایی در این رابطه سخن می‌گویید.

«... انتم عباد الله نصب امره و تهیه و جملة دینه و وحیه و امنا الله علی انفسکم، و

بلغاؤه الی الامم...»

«... و مسئولیت سنگین مهاجران و انصار را بر شمرده و فرمود: «شما ای بندگان خدا! مسئولان امر و نهی پروردگار و حاملان دین و وحی او هستید، و نمایندگان خدا بر خویشتن، و مبلغان او به سوی امتها می‌باشید... خدا را در آنچه امر یا نهی فرموده اطاعت کنید، و راه علم و آگاهی را پیش گیرید...»

۴- بانوی اسلام (س) ضمن معرفی خود خدمات پدرش، رسول خدا(ص) را به این امت بازگو

می‌نماید و با سخنان خود آنها را به گذشته نزدیک جاهلی‌شان، برای یک دیدار عبرت‌انگیز و مقایسه با وضعیتشان بعد از اسلام و گرفتن درس از این دگرگونی رهنمون می‌شود.

فاطمه (س) برای اینکه عذر و بهانه‌ها را از امت بگیرد تا کسی عنوان نکند که آگاه نبودم و دختر پیامبر (ص) را نشناختم و اگر نه او را اطاعت و یاری می نمودم خودش را معرفی می نماید.

«... ایها الناس اعلمو انی فاطمه و ابی محمد صلی الله علیه و آله، اقول عوداً و بدأ
ولا اقول ما اقول غلطاً، ولا افعل ما افعل شططاً»

«ای مردم: بدانید من فاطمه‌ام و پدرم محمد است که صلوات و درود خدا بر او و خاندانش باد آنچه می گویم آغاز و انجامش یکی است و هرگز ضد و نقیض در آن راه ندارد و آنچه را می گویم غلط نمی گویم و در اعمالم راه خطا نمی پویم... پیامبری از میان شما برخاست و به سوی شما آمد... او آمد رسالت خویش را به خوبی انجام داد و مردم را به روشنی انداز کرد، از طریقه مشرکان روی برتافت، و برگردنهایشان کوبید، و گلویشان را فشرد تا از شرکت دست بردارند و در راه توحید گام بردارند...»

۵- حوادث و رویدادهای بعد از رحلت پیامبر (ص) و حرکت و تلاش منافقین را برای محو اسلام

بازگو می نماید.

«... فلما اختار الله لبنیه (صلی الله علیه و آله) دار انبیائه و ماوی اصفیائه...»

«... اما هنگامی که خداوند سرای پیامبران را برای پیامبرش برگزید و جایگاه

برگزیدگانش را منزلگاه او ساخت، کینه های درونی و آثار نفاق در میان شما

ظاهر گشت و پرده دین کنار رفت، گمراهان به صدا در آمدند، و گمنامان فراموش شده سر بلند کردند، نعره های باطل برخاست و در صحنه اجتماع شما به حرکت درآمدند... راستی چه می کنید؟ و به کجا می روید؟ با اینکه کتاب خدا قرآن در میان شماست، همه چیزش پرنور، نشانه های درخشنده، نواهیش آشکار، اوامرش واضح، اما شما آن را پشت سر افکنده اید! آیا از آن روی بر تافته اید؟ یا به غیر آن حکم می کنید؟ آه که ستمکاران جانشین بدی را برای قرآن برگزیدند.»

۶- از غضب «فدک» و بهانه های واهی که در این زمینه داشتند و پاسخ به این بهانه ها سخن

می گوید.

«... و اطفاء انوار الدین الجلی و اخماد سنن النبی الصفی...»

«... آری، شما ناقه خلافت را در اختیار گرفتید... ناگهان آتش فتنه را برافروختید...»

و به خاموش ساختن انوار تابان آئین حق و از میان بردن سنتهای پیامبر پاک الهی

پرداختید... برای منزوی ساختن خاندان و فرزندان او به کمین نشستید... شما

می پندارید که خداوند ارثی برای ما قرار نداده و ما از پیامبر (ص) ارث نمی بریم.

شما ای مسلمانان! آیا باید ارث من به زور گرفته شود... آیا عمداً کتاب خدا را

ترک گفتید و پشت سر افکندید؟...»

۷- به عنوان اتمام حجت از گروه انصار و اصحاب راستین استمداد می طلبد و گفتار خود را با تهدید

«... یا معشرالفتیه [النقیبه] و اعضاءالملة و حصنة الاسلام، ما هذه الغمیزه فی

حقی...»

«... بعد بانوی اسلام گروه انصار را مخاطب ساخته و فرمود: ای جوانمردان، ای

بازوان توانمند ملت و یاران اسلام! این نادیده گرفتن حق مسلم من از سوی شما

چیست؟ این چه تغافل است که در برابر ستمی که بر من وارد شده نشان

می دهید... چه زود اوضاع را دگرگون ساختید و چه با سرعت به بیراهه گام

نهادید... کسی را که از همه برای زعامت و اداره امور مسلمین شایسته تر بود دور

ساختید و از فشار و تنگنای مسئولیتها به وسعت بی تفاوتی روی آوردید... بدانید

و آگاه باشید من آنچه را باید بگویم گفتم... آنچه از دست شما برمی آید انجام

دهید...»

۴-۳ اعتصاب سخن

حضرت رسماً به ابوبکر اعلان نمودند اگر فدک را پس ندهی با تو سخن نمی گویم و بعد از آن هر

جا با ابوبکر برخورد می کردند از ایشان روی برمی گرداندند و بدین ترتیب مسلمانان دریافتند که دختر

گرامی رسول خدا(ص) با اعمال خلیفه مخالف و از او خشمگین می باشد.

فاطمه زهرا(س) تنها در پی طلب فدک نبود بلکه اصلاح در رهبری امت اسلامی یعنی خلافت

علی(ع) را می خواستند.

د) نقش زینب (س) و سازماندهی

۱- حضرت زینب (س) بعنوان سرپرست قافله اسیران و امیر کاروان سیدالشهداء (ع) در مسیر حرکت قافله اسرا جهت تکمیل قیام خونین امام حسین (ع) با سازماندهی منحصر بفرد تبلیغات روانی جنگ و بهره‌گیری و با ایراد خطبه‌های افشاگرانه در اجتماع مردم کوفه، زنان کوفه آنچنان متحول شدند که به جای سرور و شادی شهر کوفه در عزا و ماتم فرو رفت و زنان کوفه نسبت به حقیقت ماجرا بیدار شدند و عمل ننگین شوهران و فرزندان‌شان را تقبیح نمودند.

۲- حضرت زینب (س) با حضور در مجالس عییدا... و یزید بن معاویه ماهیت پلید آنها را در جمع حضار برملا ساخت و اوضاع مجالس فوق را به نفع خود تغییر داد. بطوریکه حضار عییدا... و یزید را شکست خورده و حضرت زینب (ع) را پیروز می‌دانستند.

۳- حضرت زینب (س) ادامه نهضت عاشورا را سازمان داد تا به هدف مطلوب برسد و نهضت خویش امام حسین تکمیل و جاودانه معرفی گردد و پیام شهیدان را به گوش جهانیان برساند و مسیر حوادث را به نفع اسلام و اهداف شهیدان تغییر دهد.

۴- زینب کبری (س) با هدایت و سازماندهی مناسب قبل و بعد از قیام عاشورا زنان را در انجام وظایف جهت تشویق مردان و فرزندان به فداکاری بیشتر در راه امام حسین (ع)، پشتیبانی براساس امکانات موجود، حفظ حریم خیمه‌ها دلجویی بازماندگان و برخورد انتقامگیرانه با دشمنان یاری نمود.

بررسی و تشریح دیدگاه اسلام در مورد نقش زنان در کنترل و نظارت سازمانها

الف) نقش کنترل و نظارت ملکه سبا

۱- یکی از وظایف مدیریت آگاهی و اطلاع از تشکیلاتش می باشد. بدیهی است این آگاهیها و اطلاعات مطلوب در پرتو کنترل و نظارت دقیق مدیر حاصل می گردد و از طریق نظارت پس از شناخت نقاط ضعف و وظیفه مدیر ساختن و اصلاح کردن است و مدیریت براساس حفظ مصالح عمومی جامعه و با در نظر گرفتن معیارها و ملاکها دست به تغییرات و اصلاحات و کلاً اقدامات بعدی می زند و بلقیس زنی مدیر، زیرک و باکیاست بود با کنترل و نظارتی که بر امور مملکت و ملت و رجالش داشت با زیرپوشش نظارتی قرار دادن امکانات و قدرت نظامی و دفاعی، لزوم هدایت خواهی و هدایت پذیری ملت تحت امر خود بر اساس محاسبات دقیق مورد بررسی قرار داد و با هدایت های مناسب مانع خسارتها و خونریزی گردید و بهترین راه را با اهداف مشخص تدارک دید. و بنا دوزاندیشی کلیه شیوه ها و راهکارها را جهت دستیابی هدف مطلوب می سنجد.

۲- ملکه سبا با کنترل و نظارتی که بر فعالیتهای رجالش داشت به انگیزه ستیزه جوئی آنها پی برد ولی به هیچ عنوان مقهور بلندپروازیهای رجال و مسحور یاران سلحشور خود نگردید. بلکه قبل از هر چیز به بیان عواقب جنگ پرداخت و بعد از آماده ساختن نیروهایش در پذیرش راههای مسالمت آمیز نظرات خود را در رابطه با دعوت رسول خدا اعلام نمود و در یک محیط کاملاً دوستانه به آزمایش وی می پردازد که بداند آیا سلیمان براستی فرستاده خدای یکتاست یا مرد زیرکی است که با سلاح دین، در میدان فرمانروایی به پیروزی رسیده است.

۳- این بانو در اعمال نظارت بر تشکیلاتش به قدری بود بطوریکه حتی بعد از اینکه حضرت

سلیمان (ع) تخت وی را شناس گردانید. در جواب سئوال رسول خدا (ص) که آیا تخت تو این چنین

است براحتی گفت: «گویا همین است» و بدینوسیله نشان داد در سلطنت وسیع و گسترده‌اش هیچ چیز از حوزه نظارت و کنترلش پنهان نیست.

«قال نكروا لها عرشها تنظر اتهتدی ام تكون من الّذين لا يهتدون».

«آنگاه سلیمان گفت: تخت بلقیس را ناشناس گردانید تا بنگریم که وی سریر خود

را خواهد شناخت یا نه».

(سوره نمل، آیه ۴۱)

علامه طباطبایی در مورد این آیه می فرماید:

«منظور از تغییر شکل، آزمایش عقل بلقیس بود که آیا آن را خواهد شناخت یا نه».

«فلما جاءت قیل اهكذا عرشك قالت كآته هو و اوتینا العلم من قبلها و كنا

مسلمین»:

«هنگامی که بلقیس آمد از او پرسید آیا عرش تو چنین است؟ وی گفت: گویا

همین است و ما پیش از این می دانستیم و تسلیم امر سلمان بودیم».

(سوره نمل، آیه ۴۲).

و در تفسیر آیه فوق علامه طباطبایی بیان می دارد:

سلیمان به بلقیس فرمود: آیا تخت تو این چنین بود و خواست تا سؤال را کاملاً ناشناخته کند،

ملکه سبا در جواب گفت: گویا همین است و بدینوسیله خواست تا از سبک مغزی و تصدیق بدون

تحقیق اجتناب کند چون غالباً از اعتقادات ابتدایی که هنوز واریسی نشده و در قلب جائی نگرفته با تشبیه تعبیر می آورد... در آیات فوق قرآن کریم رشد عقلانی و پای بندی به تحقیق و بررسی و عدم سبک مغزی را در وجود این یاد آور می شود.

ب - نقش نظارتی حضرت فاطمه (س) در جامعه اسلامی:

۱ - حضرت زهرا (س) هیچگاه به خلافت، جاه و مقام دنیوی نیندیشید بلکه افقهای را نظاره گر بود که احیاء گر ارزشهای دوران جاهلیت بود، او ناظر خیانت تصمیم گیرندگان شورای سقیفه در امانت رسول خدا که در غدیر خم به علی (ع) سپرده شده بود، و متوجه انحراف در رهبری جامعه اسلامی و فسخ ارزشهای الهی و بدعت گذاریها در دین گشت و می دید که رنج و تلاش چندین ساله دوره رسالت حضرت نبی اکرم (ص) به هدر می رود و می دانست تنها در سایه پرچم امامت علی (ع) امکان حاکمیت اسلام راستین و بیسقط و عدل خواهد بود و زهرا (س) با نظارت کامل و گسترده ای بر جامعه اسلامی داشت متوجه وقوع فتنه ها و دسیسه ها بر جامعه اسلامی و انحراف در رهبری امت گردید لذا با حضور باصلابت خود در مبارزه با ظلم و خود سری به عنوان رهبر مدافعان اسلام ناب و حریم ولایت در تاریخ اسلام درخشید و اسلام را از خطر انهدام و دگرگونی نجات داد به گونه ای که دشمن به هراس افتاد و با توسل به زور و ضرب و شتم و جو سازی علیه خاندان نبوت با این شخصیت والای الهی پرداخت و حضرت فاطمه (س) را به شهادت رساند.

۲ - سراسر خطبه های حضرت زهرا (س) امر به معروف و نهی از منکر و هدایت جامعه است. و عملکرد مردم را چنین توصیف می نماید: «ای کاش می دانستم به کدام سند استناد جستند و بر کدام دلیل تکیه زدند؟... به خدا قسم پیشگامان را رها و به سراغ دنباله روها رفته و شانه را با دم معاوضه کردند...»

ج - نقش نظارتی زینب (س) در نهضت عاشوراء:

۱ - حضرت زینب (س) به دلیل نظارت کامل و حضور آگاهانه در همه صحنه‌های قیام را زیر نظر داشت تا در ضبط و ثبت نهضت عاشورا ذره‌ای غفلت نشود و نظارت دقیق، و درک موقعیت و دشمن‌شناسی و اطلاعات دقیق از توطئه‌های قبل و بعد از قیام خونین عاشورا را می‌دهد بطوریکه با احاطه همه جانبه بر اوضاع سیاسی و بحرانهای بعد از واقعه کربلا، امکان و فرصت هرگونه استفاده منفی را از دشمنان سلب می‌نماید.

۲ - نظارت گسترده این بانو از وی رهبری صادق، تحلیل‌گر و توانا ساخت بطوریکه نه تنها او را قادر بر ایفای مسئولیت هدایت بخشی، بلکه باعث مصونیت نهضت حسینی (ع) از تحریفها و جاودانگی آن گردید.

فصل پنجم

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بحث و نتیجه گیری

منبع کلیه موضوعات و معارف اسلامی قرآن کریم است و بعد از آن سنت معصومین (ع) بعنوان منبع حقایق اسلامی و مفسر قرآن و کلام خداوند محسوب می شود که برای یافتن احکام و معارف از منابع فوق استفاده می گردد. قرآن کریم کتابی است که پشتوانه آئین همیشگی و جهانی اسلام است. ضرورت مدیریت و رهبری را در موارد گوناگون و با شیوه های خاص در اشکال مختلف بیان می نماید تا جامعه بشری را به این اصل اساسی متوجه سازد سرگذشت انبیاء و انسانهای برجسته بیانگر مطلب فوق است.

از دیدگاه قرآن پروردگار عالم، یک مدیر کل در عالم هستی و آفرینش است از آن جهت که عالم هستی اداره و سازمان کلانی است که تحت حاکمیت مطلق خدای یکتا قرار دارد و لاغیر. بنابراین آنچه که بعنوان علم مدیریت در عرصه علوم انسانی مطرح شده بیگانه از بینش اسلامی و معارف قرآنی نیست و با توجه به نقش بسیار اساسی مدیریت در رشد و تعالی انسان و جامعه جایگاه ویژه ای در

قرآن و اندیشه‌های اسلامی هم در سطح کلان (جامعه و امت) و نیز در سطح خرد (سازمانها) دارد. از دیدگاه اسلام ضرورت مدیریت تا آنجاست که در زمینه‌های جزئی نیز به حضور مدیریتی در سازمانها و اجتماعات کوچکتر توصیه گردیده است. که نمونه ساده آن در مسافرت یک گروه همسفر ملاحظه می شود که پیامبر (ص) فرمودند که اگر دو، سه نفر در سفری بودند یکی را بعنوان مدیر برگزینند تا کارها در پناه نظارت و هماهنگی مدیر انجام شود و این نشان دهنده اهمیت مکتب حیاتبخش اسلام به رهبری، مدیریت و نظم است.

برای مدیریت تعاریف مختلفی ارائه گردیده و با توجه به تعابیر گوناگون از مدیریت و اینکه جزئی از فرهنگ جوامع می باشد لذا اشخاص و جوامع در زندگی فردی و اجتماعی بنحوی با مسئله مدیریت درگیر هستند و هر مدیریتی در هر شرایط و سازمانی جهت نیل به اهداف معین و مشخص دارای وظایف عمده‌ای از قبیل تصمیم‌گیری، سازماندهی، برنامه ریزی، هدایت و نظارت و کنترل می باشند. و تعبیر سازمان به هر مجموعه همکاری گروهی از افراد جهت رسیدن به هدف معین با مدد گرفتن از توانائیها، ابزار و شیوه‌های انجام کار اطلاق می گردد.

برای تبیین نقش مدیریتی زنان در سازمان ابتدا بایستی جایگاه زن در اسلام و قرآن مشخص و تعریف گردد.

قبل از ظهور اسلام نگرشهاییکه در جهان وجود داشت در حق زن بیرحمانه‌ترین بی مهریها و آزارها را رقم زده بود ولی با ظهور مکتب حیاتبخش اسلام، اولین گام را قرآن در احیای حقوق زن، اصالت و تساوی او در خلقت با مردان برداشت و ضمن تأیید طبیعت زن و مرد به لحاظ جسمی و روحی همواره بر تساوی حقوق فردی و اجتماعی تکیه می نماید و به اقتضای آفرینش زن و مرد مسئولیت و فعالیتهای متفاوتی برای هر دو معین نمود ولی پاداش آنها را در تحصیل اعمال صالح و

کمالات معنوی برابر در نظر می‌گیرد. زیرا هدف اسلام دستیابی به کمالات انسانی است.

بنابراین در قرآن بخشی وجود ندارد که در آن صرفاً مردان دارای حق و پیشتاز باشند و زنان سهمی نداشته باشند و لکن باید زنان موقعیت خود را درک نمایند و دیگران به این موقعیت حرمت قائل شوند امکانات برابر فراهم شود آنگاه ارزیابی گردد که چه اندازه زن می‌تواند موفق بشود و تا چه حدی مرد می‌تواند پیشرفت کند در جامعه فضایی مطلوب و در چارچوب ارزشهای الهی جهت ایفاء نقش سازنده هر دو ایجاد گردد و بدین لحاظ مکتب اسلام بر اساس ویژگیهای زیستی و روحی آنان بر اساس عدالت و مقتضیات فطری و تقسیم مسئولیتها و نوع تخصص و کارایی انسان اعم از زن و مرد حقوق و قوانینی را تنظیم نموده است تا بر اساس قابلیتها و استعدادهای گوناگون به سوی کمال هدایت گردند.

از بررسی موارد مذکور مشخص گردید:

الف - اسلام چهارده قرن قبل همگامی زن و مرد و مشترک بودن نقش آنان در فعالیتهای فردی و

اجتماعی اشعار نمود در صورتیکه مدت‌ها بعد جهان به این حقیقت دست یافت.

ب - اسلام شخصیت زنان را بسیار متعالی مطرح می‌کند و به زن از دید روشن و باز نگاه می‌کند و

به وی اجازه می‌دهد که در همه صحنه‌های زندگی و تلاش در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی و

فرهنگی فعالیت کند.

ج - مشارکت فعال زنان در اداره امور از نقشهایی است که زن می‌تواند در سطح کلان (جامعه) و

خرد (ادارات و سازمانها) ایفاء نماید.

بنابراین اسلام هرگز زن را از فعالیتهای اجتماعی و اداره امور و قبول مسئولیتهای مناسب شأن و

منزلت او محروم نکرده است لکن حضور او را در جامعه و نحوه ارتباط او را با مرد منوط به رعایت

شروطی دانسته که دقیقاً زنان را دعوت به رعایت آن تکالیف نموده است تا زنان خلاق، کارآمد، مدیر و اثرگذار جامعه بشریت را در عرصه‌های مختلف راهبری نمایند و با رعایت حریم‌ها و حدود شرع در ارتباط زن و مرد هم بازدهی فعالیتهای اجتماعی در مناسبت‌های انسانی و مدیریتهای اجتماعی را بالا برده و هم بهداشت روانی و اخلاقی جامعه را تضمین می‌نماید و شرایط جامعه را برای عرضه استعدادها و توانمندیهای زنان مساعد می‌سازد تا زن هم نقش پیشگامانه خود را در مدیریتهای و مسئولیتهای متبلور سازد و هم نقش راهبردی و مدیریتی را ایفاء نماید و در حوزه مدیریت، برنامه ریزی، سازماندهی، تصمیم‌گیری و نظارت در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی سیاسی و... مانند مرد سهیم شود.

تحقیق فوق ما را به قضاوتی در خور شأن و منزلت زنان هدایت می‌کند تا نقش سازنده آنها در سیر تحولات مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و علمی نادیده گرفته نشود و از توان خلاق و کارآمد آنان در اداره امور در چارچوب رفتار و ارزشهای اسلامی با رعایت حقوق حقه انسانی و اجتماعی آنان استفاده گردد. و با مدد گرفتن از آیات کریمه قرآن مجید در پی یافتن حقوق فردی و اجتماعی زنان بوده و به جستجوی حضور آنان در مدیریتهای رفته که بیان نماید اسلام جواز ورود زنان را در حوزه مدیریتی تا کجا داده است؟

قرآن علاوه بر معرفی زنان برجسته بعنوان الگوهای رفتاری و ارزشی در همه عرصه زندگانی انسانی از جمله معرفی زن نمونه و آرمانی در صحنه‌های مدیریتی، آیات متعددی پیرامون حقوق فردی و اجتماعی آنان ارائه می‌نماید و همانند یک وکیل مدافع از شخصیت زن دفاع می‌کند که نتایج حاصل از آنها عبارتند از:

۱- اسلام زنها را به لحاظ حقوق انسانی برابر با مردها می‌داند و تفاوتی بین زن و مرد قائل نیست.

۲- سرشت انسانی در زن و مرد یکسان است و پروردگار همان را که به مرد بخشیده به زن هم عطا

نموده و برای هر دو مسئولیتهای مشابه در حوزه فردی و اجتماعی قائل می شود.

۳- در پرتو شریعت اسلامی باب کمالات انسانی یکسان به روی زن و مرد گشوده است و زن

هرگاه بخواهد می تواند در عرصه های مختلف اجتماعی تلاش و فعالیت نماید و منشأ اثر باشد و با حفظ

شئون الهی در تمامی ابعاد اجتماع و اداره امور دخالت نماید و با همه توان خویش به حضورش در

حوزه های مدیریتی تحقق بخشد.

۴- در اسلام آیه، روایت و دلیل عقلی که بتوان بر مبنای آن مدیریت و مشارکت در اداره امور

جامعه را خاص مردان دانست و یا زنان از آن منع شده باشند وجود ندارد.

مکتب اسلام و فرهنگ قرآنی درک درستی از نقش و مسئولیت زنان در اداره امور جامعه و

مشارکت آنان در عرصه های مدیریتی چه در سطح کلان (جامعه) و چه در سطح خرد (اداری و

سازمانها) ارائه می دهد و قرآن با یادآوری اینگونه مصادیق، زن را در همه ابعاد مدیریت از قبیل

تصمیم گیری، برنامه ریزی، سازماندهی، کنترل و نظارت دخالت می دهد. حضرت فاطمه زهرا (س)

بانوی اسلام، دخت گرامی اش زینب (س) و بلقیس از زنانی هستند که قرآن بعنوان نمونه های شایسته

مطرح می نماید و توسط آنها استعدادهای لایتناهی و بالقوه زنان را در اداره امور بیان می نماید که

مجموعه نکات بارز این شخصیتها بعنوان رهبر، مدیر می توان به نتایج ذیل دست یافت:

الف) تحلیل نقش زنان در گرو شناخت مدیریت و ارکان در جهان بینی اسلام و نیز نقش زنان در

هدایت، رهبری و اداره امور در جامعه است. با توجه به اینکه برنامه ریزی، سازماندهی، و نظارت از

وظایف اساسی مدیریت می باشد و مدیر برای انجام همه آنها مستلزم اتخاذ تصمیم گیریهایی است و

همانطوری که در اداره الگوهای قرآنی و اسلامی بیان شد توانایی انتخاب بهترین راه در بین راههای حل

مشکلات، هدایت و رهبری، فن تصمیم‌گیری زنان نمونه الهی است که تأکیدی بر قدرتمندی در اتخاذ تصمیم‌ها و اجرای منطقی آنها جهت نیل به اهداف و باز نمودن میزان تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات مسئولیت‌پذیری زنان را در اداره امور امکان‌پذیر می‌سازد.

ب) همانطور که با مطرح نمودن الگوهای قرآنی نقش زن در برنامه‌ریزی مورد بررسی قرار گرفته در جامعه اسلامی که زن محور مدیریت خانواده است زنان برای هماهنگ نمودن مسئولیت اداره امور خانه و مشارکت در مدیریتهای عرصه‌های مختلف جامعه جهت نیل به کمال انسانی ناگزیر از امر برنامه‌ریزی منظم و مداوم است و اسلام همانگونه که برای ابعاد زندگی مادی و معنوی انسانها برنامه ارائه نموده است انسانها را اعم از زن و مرد ملزم به برنامه‌ریزی در همه ابعاد گوناگون زندگی فردی و اجتماعی جهت رسیدن به اهداف نموده و مسلماً با توجه به اینکه ضوابط و دستورات مکتب اسلام در محدوده زمان و مکان نمی‌گنجد لذا زنان هم می‌توانند در برنامه‌ریزی چه در سطح کلان جامعه و چه در نظام اداری و سازمانها نقش داشته باشند.

ج) فرهنگ اسلامی فرهنگ نظم و انتظام و سازمان دادن امور کارهاست برای دستیابی به اهداف مطلوب در جامعه اسلامی از ضروریات است نمونه‌های فراوانی در اسلام وجود دارد که حضور زنان را در سازماندهی ارکان جامعه و حتی در هدایت نهضتها و جنگهای اسلامی زنان این نقش حساس را انجام داده‌اند که نمونه‌های آنها ذکر شد که مبین توانمندی زنان در سازماندهی ارکان مختلف اجتماعی می‌باشد.

د) همانطور که بیان شد نظارت از وظایف مدیریت است و اسلام با وضع قانون امر به معروف و نهی از منکر سیستم نظارتی و سیعی را ایجاد می‌نمایند زیرا در سایه نظارتهاست که وظیفه شرعی انجام می‌گردد و در پرتو آن هدایت و رهبری به سوی اهداف مطلوب محقق می‌شود که در همه فعالیتها

اجتماعی و اداره امور در ارکان جامعه زنان به علت حضور و مشارکت در مدیریتها ملزم به اجرای آن می باشند و از طرفی در اسلام وظیفه آحاد جامعه اعم از زن و مرد می باشد بالطبع مسئولیت نظارت هر تشکیلاتی بر عهده آن هم می باشد و زنان هم در مدیریت امور با اعتقاد به این قانون مترقی شرع نظارت بر عملکرد افراد را به نحو شایسته ای انجام می دهند و انحرافها را پس از تشخیص به طور منطقی و بر اساس معیارها و ضوابط اصلاح می نمایند و با توجه به آیه ۷۱ سوره توبه زنان هم مانند مردان در نظارت و کنترل جامعه و ارکان آن از جمله سازمانها نقش دارند.

پیشنهادات:

با توجه به نتایجی که از تحقیق فوق حاصل شده چهار پیشنهاد کلی مطرح می‌گردد:

۱- با توجه به حاکمیت الگوهای مادی و غربی بر شیوه حضور زنان در عرصه‌های مختلف مدیریتی که به علت عدم وجود اندیشه و رفتارهای هماهنگ با ارزشهای اسلامی و طبیعت وجودی زنان مانع از پذیرش مسئولیتهای گوناگون توسط آنان می‌شود لذا بایستی شیوه‌هایی در نظام مدیریتی در صحنه‌های مختلف اجتماعی اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی به وجود آید که متناسب با مبانی و ارزشهای اسلامی جامعه و ویژگیهای فطری جامعه باشد تا زنان بتوانند با حفظ نقش محوری مدیریت خانواده با شرکت در عرصه‌های تصمیم‌گیری، برنامه ریزی، سازماندهی و..... در اداره امور سهم باشند.

۲- ضروری است که متخصصان و اندیشمندان اسلامی با بررسی و تبیین الگوها و معیارهای اسلامی نقش زنان در ابعاد مختلف مدیریتی را ارائه نمایند.

۳- پیشنهاد می‌گردد نقش فعلی زنان در اداره امور سازمانها با وضعیت مطلوب در اسلام مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد و فاصله موجود تعیین گردد.

۴- مواضع فقهی علماء اسلام پیرامون حضور و مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف مدیریتی تحلیل و شناسانده شود.

محدودیت‌های تحقیق:

- ۱- محدود بودن و حتی فقدان منابع جهت بررسی تخصصی موضوع، به علت اینکه تاکنون تحقیق و پژوهش پیرامون مباحث مدیریتی از منظر کلان‌نگری و بدون ارائه نقش زنان پرداخته شده است.
- ۲- فقدان مواضع فقهی علماء پیرامون نقش مدیریتی زنان و حدود مشارکت آنان در عرصه‌های اداری امور، علی‌رغم تغییر نگرش به منزلت زن مسلمان و مسئله مشارکت زنان در اداره امور پس از پیروزی انقلاب اسلامی به طور کلی و ارائه اندیشه امام خمینی (ره) به طور اخص.
- ۳- محدودیت‌های منابع علمی که به نقش زنان در همه ابعاد مدیریتی پرداخته نشده است.
- ۴- عدم ترسیم رهبریه‌ها و مدیریتهای زنان نمونه مسلمان و عدم ارائه الگوها و مصادیق در صدر اسلام در عرصه‌های مختلف اجتماعی توسط محققان و پژوهشگران.
- ۵- افراط و تفریط در نگرش جایگاه و نقش زنان در اداره امور به علت برداشتهای متحجرانه از اسلام و یا تحت تأثیر فرهنگ غرب به بهانه دفاع از حقوق زن، از عوامل محدودکننده دست‌یابی به مواضع حقیقی اسلام و قرآن به حدود مشارکت و فعالیت‌های زنان در عرصه‌های مدیریت می‌باشد.
- ۶- تألیفات متعصبانه بعضی از علماء در مورد استتار زن در خانه و عدم دخالت در امور، از عوامل تنزل جایگاه و نقش‌های سازنده اجتماعی از دیدگاه این اندیشمندان گردیده است.
- ۷- آنچه که از دید و مطالعات صاحب‌نظران و محققین مدیریت در غرب به دور مانده اینست که علی‌رغم تلاش زنان در بازارهای کار برابر با مردان نقش زنان در مسند مدیریت بسیار کمتر از مردان است و حتی نادیده انگاشته شده بنابراین در غرب هم منابع علمی در زمینه نقش مدیریتی زنان ارائه نگردیده است.
- ۸- هنوز قوانین، ضوابط و معیارها در نظام اداری کشور نقش زنان را در مدیریت سازمان معین نکرده‌اند.

در این تحقیق به سؤالاتی پیرامون نقش مدیریتی زنان در قرآن کریم پاسخ داده شده و حدود قلمرو حضور زنان در حوزه‌های مدیریت همچون تصمیم‌گیری، سازماندهی، برنامه ریزی و نظارت مشخص گردید. برای یافتن سؤالات فوق از نگرش قرآن ابتدا مطرح شد که هویت و شخصیت زن در اسلام بسیار والاست و زن همانند مرد دارای حقوق فردی و اجتماعی است و هیچ برتری و امتیازی بین آنها نیست مگر به تقوا، ایمان و علم. مخاطب دین الهی و کتاب جاودانه آن، صرفاً مرد نیست بلکه گوهر انسانی مشترک بین زن و مرد است. و در تبیین نقش زن در مدیریت با ذکر مصداق از قرآن کریم نقش زنان در عرصه‌های مختلف مدیریتی از قبیل تصمیم‌گیری، سازماندهی، برنامه ریزی و نظارت با تکیه بر داستان ملکه سبا و بیان نقش رهبری بانوان بزرگ اسلام همچون حضرت فاطمه زهرا (س) و زینب ارائه گردید. و در راستای دستیابی به نقش مدیریتی زنان در سازمانها در جهت تبیین آن از دیدگاه اسلام و قرآن توسط مصادیق فوق به حدود حضور و مشارکت زنان اشاره گردید و به این نتیجه رسیدیم که زنان در همه عرصه‌های مدیریت چه در سطح کلان (جامعه) و چه در سطح خرد (نظام اداری و سازمانها) می‌توانند نقش سازنده و فعال ایفا نمایند.

فهرست منابع:

- ۱- آکوچکیان، احمد، با فاطمه (س) و زینب (س) در دو عرصه انسانی و مدیریت اجتماعی، ماهنامه پیام زن، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۱۳۷۳، ص ۱۹، ۲۰، ۲۳.
- ۲- ابراهیمی، محمد حسین، مدیریت اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۳- انصاری، محمد علی و دعایی، حبیب الله و مرتضوی، سید سعید، مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، محقق، ۱۳۷۸.
- ۴- بروجردی، اشرف، مقاله نقش سیاسی و اجتماعی زنان در اندیشه امام خمینی (ره)، خلاصه مقالات کنگره جهانی جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام (ره)، کمیته تبلیغات و انتشارات ستاد برگزاری یکصدمین سال امام (ره)، ۱۳۷۸.
- ۵- بیان، حسام الدین، آئین مدیریت، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۶۹.
- ۶- پرهیزکار، کمال، تئوریهای مدیریت، اشراقی، ۱۳۶۸.
- ۷- پیامهای اداری از نهج البلاغه، سازمان امور اداری و استخدامی کشور، ۱۳۷۵.
- ۸- تقوی دامغانی، سید رضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، فرهنگی رجاء، ۱۳۷۴.
- ۱۰- رضائیان، علی، اصول مدیریت، سمت، ۱۳۶۹.
- ۱۱- رون تری، درک، چک لیست مدیران، ترجمه عباس دهقانی، البرز، ۱۳۷۵.
- ۱۲- شهیدی، سید جعفر، زندگی فاطمه زهرا (س)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.
- ۱۳- صادقپور، ابوالفضل و مقدس، جلال، نظریه جدید سازمان، مدیریت و علم مدیریت، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۶۹.

۱۴- طالقانی، محمود، روش تحقیق نظری، پیام نور، ۱۳۷۰.

۱۵- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه همدانی، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، جلد ۳۰، ۱۳۶۳.

۱۶- غروی نائینی، نهنه، مقاله جایگاه زن در آفرینش، خلاصه مقالات کنگره جهانی جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام (ره)، کمیته تبیغ و انتشارات ستاد برگزاری یکصدمین سال امام (ره)، ۱۳۷۸.

۱۷- فریدیان، فرخ، تحول سازمانی، وثقی، ۱۳۷۸.

۱۸- فضل الله، محمد حسین، اسلام، زن و کنکاشی نوین، ماهنامه پیام زن، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شماره ۳۲، ۳۴، ۳۷، ص ۶، ۱۲، ۱۳.

۱۹- قرآن کریم

۲۰- قشقایی، فرشته، مقاله نقش زن در جامعه مدنی، خلاصه مقالات کنگره جهانی، جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام، کمیته تبیغ و انتشارات ستاد برگزاری یکصدمین سال امام (ره)، ۱۳۷۸.

۲۱- کیکاووسی، محمد رضا، مقاله نقش زن در جامعه، خلاصه مقالات کنگره جهانی جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام (ره)، کمیته تبیغ و انتشارات ستاد برگزاری یکصدمین سال امام (ره)، ۱۳۷۸.

۲۲- مافی، پروانه، مقاله مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه امام خمینی (ره)، خلاصه مقالات کنگره جهانی جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام (ره)، کمیته تبیغ و انتشارات ستاد برگزاری یکصدمین سال امام (ره)، ۱۳۷۸.

۲۳- مطهری، مرتضی، اهدات و رهبری، صدرا، ۱۳۶۴.

۲۴- مکاره شیرازی، ناصر، زندگی فاطمه زهرا (س)، محبان الفاطمه (س)، ۱۳۷۰.

۲۵- مکنون، ثریا و صنایع یزر، مریم، بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام و....، سازمان تبلیغات

اسلامی، ۱۳۷۴.

۲۶ - منصورى لاریجانی. اسماعیل. زن و دفاع در اسلام. دبیر خانه دائمی کنگره بررسی نقش زنان در

دفاع و امنیت. ۱۳۷۶.

۲۷ - نادری، عزت الله و سیف نراقی. مریم. روشهای تحقیق در علوم انسانی، دفتر تحقیقات و انتشارات

بدر. ۱۳۷۵.

۲۸ - نهج البلاغه. خطبه ۲۳۴. نامه ۵۳.

Abstract:

The present paper is a research that revolves around the role of women as managers from the viewpoint of Islam. Every endeavor has been made to take benefit from the sacred verses of the glorious Koran and to show that the stance and role of women is not distant from those of men.

Whatever has been set forth up to now under the title of discussion about women's management in different circles of knowledge and scholarship has merely been a glance cast from a very wide angle. Yet, taking into account the ever increasing and remarkable role of women in different disciplines of education, culture, arts, family, economy and management throughout the country shows the great potential of this group of Muslim Iranian women. What is meant by the lofty and glorious Koranic verses, is to direct the whole society towards social justice and equality, abolish discrimination and provide the society with opportunities for the blossoming of everyone's talents including women's in all areas of activity including social management which has to be analysed and patterned after the enlivening and rejuvenating teachings of Koran and Islam. The role that could be played by women in the realms of decision-making, planning, organizing, controlling, leadership and directing of the society- the vast establishment which cannot be confined by time and space - can suffice for the judgement and assessment of women's capabilities in all the above-mentioned roles.

In the Name of God

Islamic Open University
Kerman Unit
College of Humanities: Management Group
Final dissertation for Master's degree,
Public Administration

Title:

Study of Women's Role in management,
An Islamic Perspective

Written by:

Tahereh Javid

Winter 1379

Under the auspices of:

Dr. Alavi, Seyed Hamid Reza

Dr. Karnama, Assadollah

Jurists:

Dr. Nekou-ee, Mahmoud

Dr. Lessani

۹۷۲۹